## **فصل دوم:**

## **ادبیات تحقیق** مفهوم اهداف گزارشگری مالی ارزیابی عملکرد مالی

# ۲-۱. مقدمّه

فصل دوم هر پایان نامه به طور معمول اختصاص به بررسی ادبیات تحقیق موضوع و همچنین پیشینه تحقیقات انجام شده دارد که پیرامون این قضیه جزئیات این فصل شامل موارد زیر است؛

ابتدا در تشریح ادبیات تحقیق؛ هدف و مفهوم از گزارشگری مالی، استفاده­کنندگان و نوع نیاز اطلاعاتی، مفهوم ارزیابی عملکرد مالی و انواع معیارهای ارزیابی عملکرد مالی به تفکیک مورد تشریح قرار گرفته­اند.

سپس مفاهیم مربوط به معیارهای سود آوری شرکت، ارزش بازار شرکت و همچنین سیاست تقسیم سود شرکت به تفضیل مورد تشریح قرار گرفته است و در ادامه نقش مدیریت در گزارشگری، مفهوم مدیریت سود و روشها و انگیزه های و ابزار اندازه­گیری مدیریت سود که خود تشریحی از اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت این اقلام است به همراه جزئیات آن مورد تشریح قرار گرفته است.

در انتها نیز پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده مورد اشاره قرار گرفته شده است.

# ۲-۲. اهداف گزارشگری مالی

صورتهای مالی گزارشهای حسابداری هستند که توسط یک شرکت به طور دوره­ای (معمولا سه ماه یا سالیانه) منتشر می­شوند اطلاعات عملکردی گذشته و همچنین تصویری از دارایی­های شرکت و تأمین مالی برای آن دارایی­ها را ارائه می­دهند [(بِرک و همکاران 2012: 18](#_ENREF_3)). این موضوع برای شرکتهای سهامی عام که با توجه به شرایط و قوانین وضع شده هر کشور ملزم به ارائه و بایگانی اطلاعات خود در کمسیون اوراق بهادار و بورس[[1]](#footnote-1)مربوطه­شان هستند مصداق دارد که در این بین می بایست گزارشهای حسابداری با توجه به یک سری اهداف تهیه شودند که بر این اساس مبانی نظری گزارشگری مالی ایران اطلاعات ارائه شده توسط سیستم حسابداری تنها هنگامی می­تواند در فرایند تصمیم­گیری­های اقتصادی استفاده­کنندگان مفید واقع شده مورد استفاده قرار گیرد که از حداقل استانداردهای لازم برخوردار باشد، این استانداردهای دستوری،"ویژگی­های کیفی"اطلاعات حسابداری نامیده شده می­توانند بر میزان سودمندی اطلاعات بیفزایند([اعتمادی و همکاران 1391: 102](#_ENREF_26)) .یعنی به نوعی هدف گزارشگری مالی، فراهم آوردن اطلاعاتی است که سرمایه­گذاران، بستانکاران و سایر استفاده­کنندگان را در اتخاذ تصمیمات اقتصادی یاری رساند([اعتمادی و همکاران 1391: 102](#_ENREF_16)).

# ۲-۳. استفاده­کنندگان از اطلاعات مالی

استفاده­کنندگان صورتهای مالی به اشخاصی اطلاق می­شود که جهت رفع نیازهای اطلاعاتی متفاوت خود از صورتهای مالی استفاده می­کنند، و با تجزیه و تحلیل این گزارش­های مالی قضاوت­های خود را از عملکرد مالی شرکتها انجام و در نهایت اقدام به تصمیم­گیری­های اقتصادی می­کنند. گروه­های اصلی استفاده­کننده از صورتهای مالی شامل سرمایه­گذاران (اعم از سرمایه­گذاران بالفعل و بالقوه)، اعتبار دهندگان(اعطا کنندگان تسهیلات مالی)، بستانکاران تجاری، تحلیل­گران مالی و در نهایت مدیران شرکتها هستند.

**سرمایه­گذاران؛** به عنوان تأمین کنندگان سرمایه متضمن ریسک واحد تجاری و مشاورین آنها به اطلاعاتی در مورد ریسک ذاتی و بازده سرمایه­گذاری­های خود می باشند. اینان به اطلاعاتی نیار دارند که بر اساس آن بتوانند در مورد خرید، نگهداری یا فروش سهام تصمیم­گیری نمایند و عملکرد مدیریت واحد تجاری و توان واحد تجاری را در جهت پرداخت سود سهام مورد ارزیابی قرار دهند([سازمان حسابرسی: 756](#_ENREF_40)).

**اعطا کنندگان تسهیلات مالی؛** علاقه­مند به اطلاعاتی هستند که بر اساس آن بتوانند توان واحد تجاری را در بازپرداخت به موقع اصل و متفرعات تسهیلات دریافتی ارزیابی کنند([756](#_ENREF_40)).

**بستانکاران تجاری؛** در غالب فروشندگان کالا و خدمات، برعکس اعطاکنندگان تسهیلات مالی به وضعیت واحد تجاری در کوتاه مدت علاقه­مند هستند مگر آنکه واحد تجاری از مشتریان عمده آنان بوده و ادامه فعالیت آنان به تداوم معاملات با واحد تجاری متکی باشد([757](#_ENREF_40)).

**تحلیل­گران مالی؛** از آنجا که گاهاً سرمایه­گذاران خود تجزیه و تحلیل صورتهای مالی را انجام می­دهند، اما اغلب به گزارش تحلیل­های مالی کارشناسان(تحلیل­گران) که در شرکتهای کارگزاری بورس و شرکتهای سرمایه­گذاری فعالیت می­کنند اتکا می­کنند([لَشِر 2008: 64](#_ENREF_16))، واین موضوعباعث می­شود تحلیل­گران مالی با در نظر داشتن ارتباط مستقیم از فعالیت شغلی­شان با این گزارشها به عنوان یکی از استفاده­کنندگان اصلی ازصورتهای مالی محسوب شوند.

**مدیران**؛ شرکتها به عنوان آخرین گروه از استفاده­کنندگان از صورتهای مالی که خود مسئول تهیه و ارائه این گزارشها هستند، توجه خاصی به این گزارشهای می­کنند مبنی بر اینکه آنها با بررسی نتایج به دنبال نقاط ضعف و قوت عملکرد خود هستند و این فرآیند به آنها نشان می­دهد که در کجا بیشتر تلاش کرده تا اینکه بتوانند مشکلات را حل و عملکردشان را بهبود دهند[(لَشِر 2008: 64](#_ENREF_16)) .

# ۲-۴. مفهوم ارزیابی عملکرد مالی

سنجش از میزان موفقیت یا عدم موفقیت هر فعالیتی دارای ارزش بازخوردی و بازنگری خیلی با اهمیتی است مبنی بر اینکه؛ ارزش بازخوردی مربوط به ارزیابی تصمیمات اتخاذ شده گذشته و ارزش بازنگری مربوط به ارزیابی تصمیمات در حال اتخاذ است. سنجش موفقیت یا عدم موفقیت فعالیت­های یک شرکت در قالب اصطلاح "ارزیابی عملکرد"در دو حیطه مالی و غیر مالی تعریف وشاخه­بندی می­شود. در حیطه عملکرد مالی شاخص­های مالی و در حیطه عملکرد غیرمالی شاخص­های غیر مالی (شاخص­های تولیدی، شاخص­های بازاریابی، شاخص­های اداری و... ([مهرانی و رسائیان 1388: 94](#_ENREF_49)) مورد استفاده قرار می­گیرند.

در حیطه مالی منظور از سنجش عملکرد شرکت­ها ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات ،به منظور اخذ تصمیمات منطقی است([طالب نیا و حسین پور 1389:](#_ENREF_42) 25) که به عنوان نیاز مشترک همه استفاده­کنندگان از صورتهای مالی مورد توجه است.البته به این مفهوم که هریک از استفاده­کنندگان­در تجزیه و تحلیل­های خود از صورتهای مالی شرکتها عملکرد مالی آنها را از طریق معیارهای ارزیابی عملکرد مالی مورد سنجش قرار داده و سپس با نتایج برآمده از آن تصمیم­گیری­های نهایی خود را انجام می­دهند.

# ۲-۵. انواع معیارهای ارزیابی عملکرد مالی

با توجه به اینکه سود حسابداری که با استفاده از سیستم تعهدی تهیه می­شود،از نظر بسیاری از استفاده­کنندگان از صورت­های مالی ،ابزاری برای سنجش عملکرد شرکت­ها محسوب می­شود ([طالب نیا و حسین پور 1389: 25](#_ENREF_42))اما این سنجش و ارزیابی عملکرد

می بایست از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گیرد که در این رابطه تحلیل­گران مالی جهت نظم بخشیدن به نیازه ای مختلف استفاده کنندگان در رابطه با مفهوم ارزیابی کلی از وضعیت مالی ونتایج عملیات به محاسبه تعدادی از نسبت­های مالی می پردازند که این نسبت­ها به نوعی نکات قوّت و ضعف شرکتها را خلاصه می­کنند([برِلی و مِیِر[[2]](#footnote-2) 2003: 817](#_ENREF_1))، که در مفهوم کلی این نسبت­های مالی محاسبه شده به همراه ارقام نهایی هریک از گزارشهای مالی[[3]](#footnote-3) به عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکتها[[4]](#footnote-4) محسوب می­شوند.

در یک دسته­بندی کلی، معیارهای ارزیابی عملکرد مالی به طور معمول در دوسته کلی اعم از معیارهای سنتی و معیارهای توسعه یافته نوظهور تقسیم می­شوند و از آنجا که معیارهای سنتی با تاکید بر سود حسابداری هستند به عنوان معیارهای حسابداری و معیارهای توسعه یافته نوظهور که با تاکید به سود اقتصادی هستند به عنوان معیارهای اقتصادی نام برده می­شوند

# ۲-۶. معیارهای حسابداری ارزیابی عملکرد مالی

معیارهای حسابداری ارزیابی عملکرد شامل مواردی از قبیل سود خالص شرکت و سایر ارقام از گزارشهای مالی[[5]](#footnote-5) به همراه نسبت­های مالی محاسبه شده است، که این نسبت­های مالی با توجه به موضوعیت خود در پنج طبقه([لَشِر 2008: 83](#_ENREF_16)). اعم از نسبت­های نقدینگی، نسبت­های مربوط به مدیریت دارایی­ها، نسبت­های مربوط به مدیریت بدهی­ها، نسبت­های سودآوری و نسبت­های قیمت بازار تفکیک می­شوند.که در یک تعریف کوتاه به شرح زیر می باشند؛

### **۲-۶-۱. سود خالص[[6]](#footnote-6)**

سود خالص به عنوان رقم انتهایی در صورت حساب سود وزیان، به عنوان معیاری از سودآوری شرکت در طی یک دوره محسوب می شود[(برک و همکاران 2012: 33](#_ENREF_3)) و نشان­دهنده مجموع درآمدها از حقوق صاحبان سهام یک شرکت[[7]](#footnote-7)است([34](#_ENREF_3)) و به عنوان یکی از با اهمیت­ترین معیارهای ارزیابی عملکرد مالی مورد توجه بسیاری از استفاده­کنندگان است از این بابت که این رقم در محاسبه بسیاری از معیارهای ارزیابی عملکرد مالی استفاده می­شود.

### **۲-۶-۲. نسبت­های نقدینگی[[8]](#footnote-8)**

 نسبت­های نقدینگی از جمله معیارهایی هستند که توانایی شرکت را در پرداخت بدهی­های کوتاه مدت ارزیابی می­کنند([دیلِن[[9]](#footnote-9) و همکاران 2013: 3970](#_ENREF_7))، و از توجهات اصلی، وام دهندگان و تأمین کنندگانی بشمار می­رود یعنی کسانی که کالاها و خدمات را به صورت نسیه به شرکت ارائه می­نمایند([لَشِر 2008: 83](#_ENREF_16)). از جمله این نسبت­ها می توان به نسبت جاری و نسبت آنی اشاره کرد.

### **۲-۶-۳. نسبت­های مربوط به مدیریت دارایی­ها[[10]](#footnote-10)**

 این نسبت­ها بیان کننده بهره­وری[[11]](#footnote-11) بنیادی یک شرکت هستند، که بوسیله آن آغاز فعالیت می­کند([لَشِر 2008: 84](#_ENREF_16))،که به تعریفی میزان موفقیت یک شرکت در ایجاد درآمد از طریق دارایی­های مصرفی، دریافت مطالبات و فروش سرمایه­گذاری­ ارزیابی می­کنند([دیلِن و همکاران 2013: 3970](#_ENREF_7)). از جمله این نسبت­ها می­توان به متوسط دوره وصول مطالبات، گردش کالا، گردش دارایی ثابت و گردش مجموع دارایی­ها اشاره کرد که مشتمل بر ترکیبی از اطلاعات ترازنامه و صورت سود و زیان هستند.

### **۲-۶-۴. نسبت­های مربوط به مدیریت بدهی­ها[[12]](#footnote-12)**

این نسبت­ها نشان می­دهند که یک شرکت چطور از وجوه نقد افراد جهت منافع خود استفاده می­کند([لَشِر 2008: 87](#_ENREF_16)). به بیان دیگر نشان­دهنده میزان بدهی([برِلی و همکاران 2001: 135](#_ENREF_2)) و سنجشی از میزان اهرم مالی استفاده شده توسط شرکت هستند([138](#_ENREF_2)). از جمله این نسبت­ها می­توان به نسبت بدهی، پوشش بهره، پوشش وجه نقد و پوشش مخارج ثابت اشاره کرد.

### **۲-۶-۵. نسبت­های سودآوری[[13]](#footnote-13)**

نسبت­های سودآوری از مهمترین معیارهای اندازه­گیری موفقیت شرکت در کسب سود هستند به نوعی که، این نسبت­ها میزان توانایی ایجاد سود یک شرکت را بر مبنای فروش، حقوق صاحبان سهام و دارایی­های آن ارزیابی می­کنند([دیلِن و همکاران 2013: 3970](#_ENREF_7)). همچنین این نسبت­ها نشان­دهنده تأثیرات ترکیبی از نقدینگی، مدیریت دارایی­ها و بدهی­ها روی نتایج عملیاتی هستند)[اِرهارت و بیرگِم[[14]](#footnote-14) 2011: 98](#_ENREF_9)( و از این جهت برای تمامی استفاده­کنندگان حائز اهمیت شایانی هستند. از جمله این نسبت­ها می­توان به نسبت بازده فروش، بازده دارایی،نسبت بازدهی ارزش ویژه( بازده حقوق صاحبان سهام ) اشاره کرد.

### **۲-۶-۷. نسبت­های قیمت بازار[[15]](#footnote-15)**

 این نسبت­ها یک راه اندازه­گیری برای ارزش سهام یک شرکت نسبت به سهام دیگر شرکتها است([اِرهارت و بیرگِم 2011: 100](#_ENREF_9)). از آنجا که قیمت سهام منعکس کننده سودآوری شرکت، ریسک شرکت، کیفیت مدیریت و بسیاری از فاکتور­های دیگر است، ­می­توان گفت این نسبت­ها شامل معیارهایی هستند که مبتنی بر ارزیابی­های متفاوت از اکثر جنبه­های عملکردی یک شرکت است. از جمله این نسبت­ها می­توان به نسبت قیمت بازر هر سهم به سود هر سهم، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام(قیمت بازار هر سهم به ارزش دفتری هر سهم) ، بازده درآمدی هر سهم و قیمت بازار هر سهم اشاره کرد.

# ۲-۷. معیارهای اقتصادی، ارزیابی عملکرد مالی

معیارهای اقتصادی از آن جهت که بر مبنای سود اقتصادی محاسبه می­شوند در مقابل معیارهای حسابداری که بر مبنای سود حسابداری محاسبه می­شوند قرار دارند. مفهوم از سود اقتصای به این معنا است که وقتی شرکتها می­خواهند سود خالص(بر مبنای حسابداری) محاسبه کنند ابتدا با درآمد شروع و سپس هزینه­های از قبیل هزینه حقوق و دستمزد، مواد اولیه، سربار، مالیات را از آن کسر می کنند. اما یک هزینه وجود دارد که معمولاً کسر نمی­شود و آن هزینه سرمایه[[16]](#footnote-16) است([برِلی و مِیِر 2003: 322](#_ENREF_1)) یعنی درست مثل اینکه شرکتها اجازه دارند استهلاک را برای دارایی­هایی که توسط سرمایه­گذاران تأمین مالی شده، را نیز محاسبه نمایند که در تعریف کلی می­توان سود اقتصادی را به مفهوم سود خالص با در نظر گرفتن هزینه سرمایه دانست. همچنین از جمله معیارهای اقتصادی که در ارزیابی عملکرد مالی استفاده می­شود می­توان به معیار ارزش افزوده اقتصادی و معیار ارزش افزوده بازار اشاره کرد.

# ۲-۸. معیارهای سودآوری شرکت

همان طور که درابطه با نسبتهای سود آوری اشاره شد معیارهای از قبیل بازده فروش، بازده دارایی، نسبت بازدهی ارزش ویژه ، سود هرسهم و سود تقسیمی هر سهم مورد توجه استفاده کنندگان است که هریک از این نسبتها شرکتها را از جنبه های مختلف سوآوری مورد سنجش قرار می­دهد .

#### بازده فروش[[17]](#footnote-17)

بازده فروش عبارت است از نسبت سود خالص به فروش خالص. این نسبت یکی از معیارهای بنیادی در سودآوری کلی یک شرکت است که می­تواند درک بهتری را از توانایی مدیریت در کنترل اقلام درآمد و هزینه صورت حساب سود و زیان نشان ­دهد([لَشِر 2008:](#_ENREF_16) 90 )، با این تفسیر که بازده فروش برابر با میزان سود عملیاتی است که به ازای هر دلار(ریال) فروش بدست می­آید ([بادی[[18]](#footnote-18) و همکاران 2011: 635](#_ENREF_4)).

####  بازده دارایی[[19]](#footnote-19)

بازده دارایی­ عبارت است از نسبت سود خالص به مجموع دارایی­ها. این نسبت میزان تأثیر دارایی­ها در جهت ایجاد سود را اندازه­گیری می­کند، بطوریکه این نسبت درآمد هر دلار(ریال) از دارایی­ها را نشان می­دهد([راس[[20]](#footnote-20) و همکاران 2003: 102](#_ENREF_23)). البته در تفسیر میزان این معیار باید توجه داشت که بالا بودن این نسبت به این معنی نیست که شرکت با خرید دارایی جدید بازده بیشتری از آن می­تواند بدست آورد و بالعکس پایین بودن این نسبت دلالت از این ندارد که استفاده دارایی در جای دیگر بهتر است([برِلی و همکاران 2001: 143](#_ENREF_2)).

#### نسبت بازدهی ارزش ویژه[[21]](#footnote-21)

نسبت بازدهی ارزش ویژه(بازده حقوق صاحبان سهام) عبارت است از نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام(میانگین[[22]](#footnote-22)، ابتدا[[23]](#footnote-23) یا انتها)، این نسبت یکی از دو فاکتوری است که در مشخص کردن نرخ رشد درآمدهای شرکت است([بادی و همکاران 2011: 63](#_ENREF_4)3)، که مدیران مالی و تحلیل­گران از آن برای ارزیابی بازده سرمایه­گذاری شرکت از طریق مقایسه سود خالص شرکت با سرمایه­گذاری­هایشان استفاده می­کنند) [بِرک و همکاران 2012: 37](#_ENREF_3)(. همچنین این نسبت سود خالص رابه عنوان درصدی از از حقوق صاحبان سهام بیان می­کند ([لَشِر 2008: 90](#_ENREF_16)).

####  سود هرسهم[[24]](#footnote-24)

سود هر سهم یا عایدی هر سهم عبارت است از نسبت سود خالص به تعداد سهام شرکت. این نسبت میزان سود خالص بدست آمده از هر سهم عادی را اندازه­گیری می­نماید([کیسُو[[25]](#footnote-25) و همکاران 2013: 246](#_ENREF_15))، و به عنوان یک معیار بالقوه برای افزایش ثروت سهامدارن و موفقیت مالی سازمان است([اوهِرا و لازدَوٌسکی [[26]](#footnote-26) 2000: 90](#_ENREF_20)). البته باید در نظر داشت که در بعضی کشورهای خارجی چنانچه شرکت اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام عادی[[27]](#footnote-27) ویا حق اختیار خرید سهام[[28]](#footnote-28) برای کارمندانش داشته باشد دو نوع سود هر سهم(اصلی و تقلیل یافته[[29]](#footnote-29)) محاسبه می­شود. سود هر سهم تقلیل یافته اثر تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام عادی را نشان می­دهد([بزرگ اصل 1384: 170](#_ENREF_29))، همچنین مطابق قانون تجارت ایران (ماده 90) باید شرکتها حداقل 10 درصد از سود خالص را هر سال بین سهامداران توزیع کنند بنابراین در صورت عدم وجود زیان دوره، همواره سود هر سهم میان سهامداران از یک حداقل برخوردار خواهد بود([مهرانی و رسائیان 1388: 104](#_ENREF_49)).

#### سود تقسیمی هر سهم[[30]](#footnote-30)

هر سال شرکتها بخشی از سود خالص را مطابق قانون[[31]](#footnote-31) و بخشی را نیز براساس نیاز شرکت[[32]](#footnote-32) نزد خود نگهداری می کنند و مابقی را بین سهامداران تقسیم می نمایند. به مقدار سود اعلامی شرکت در زمان مجمع عمومي عادي ساليانه، که به عنوان سود نقدی آن دوره مالی بین سهامداران توزیع می شود سود تقسیمی هرسهم گفته می شود، که به عبارتی این مبلغ آن بخش از سودی است که پس از کسر مالیات به ازاء هر سهم توسط شرکت به سهامداران پرداخت می گردد.

البته چون سود تقسیمی هر سهم بخشی از سود هر سهم شرکت می باشد معمولا رقم آن کمتر از مقدار سود هر سهم می باشد و چنانچه اگر تمام سود تقسیم شود آنگاه رقم آن برابر سود هر سهم خواهد بود و در بعضی موارد خاص نیز ممکن است این مقدار بیشتر از سود هر سهم نیز باشد که این مبلغ اضافی معمولا" از محل سود انباشته سالهای قبل تامین می شود . البته این وضعیت اکثرا" نشان دهنده بی برنامه بودن شرکت می باشد چون سود انباشته همان سود سالهای گذشته است که توزیع نشده است و معمولا" جهت انجام برنامه ای خاص در شرکت باقی مانده است و توزیع آن در سالهای بعد نشانه خوبی نیست.)[گازار](#_ENREF_46)(

#### درصد سود تقسیمی[[33]](#footnote-33)

عبارت است نسبت سود نقدی تقسیمی بابت هر سهم به سود هر سهم اعلام شده شرکت، این نسبت نشان میدهد که چه نسبت از سود هر سهم بین سرمایه گذاران تقسیم شده است.

در این رابطه بدیهی است که هر چه چقدر این نسبت بیشتر باشد نشان دهنده این است که شرکتها میزان بیشتری از سود اکتسابی خود را تقسیم نموده­اند([یحیی زاده فر و عمادی 1390: 196](#_ENREF_52)) البته مقدار این نسبت متاثر از عوامل و سیاستهای مختلفی است که میزان بهینه آن را برای شرکت مشخص می کند واین عوامل و سیاستهای مختلف در ادبیات تحقیقی به عنوان سیاستهای تقسیم سودشرکتها یاد می­شوند[[34]](#footnote-34).

# ۲-۹. معیارهای ارزش بازار شرکت

همان طور که درابطه با نسبتهای قیمت بازار اشاره شد می توان معیارهای؛ قیمت بازار هر سهم، نسبت قیمت بازر هر سهم به سود هر سهم، قیمت بازار هر سهم به ارزش دفتری هر سهم ، بازده درآمدی هر سهم را به عنوان معیارهای ارزش بازار شرکت اشاره کرد که مورد توجه بسیاری از استفاده کنندگان می باشد.

#### قیمت بازار هر سهم

شرکتها به طور معمول در رابطه به سهام خود دارای دو قیمت می باشند؛ قیمت اسمی و قیمت بازار می باشد. قیمت بازار هر سهم برابر با قیمتی است که ما در بازارهای مالی برای سهام یک شرکت مشاهده می کنیم([اِرهارت و بیرگِم 2011: 9](#_ENREF_9)).که این قیمت به عنوان یکی از ملاک های تصمیم گیری سرمایه گذاران جهت خرید و نیز فروش سهام شرکتها می باشد که با توجه به این معیار مقایسه های تحلیلی در رابطه با این معیار با سایر اطلاعات مالی شرکتها انجام می شود، که به نوعی می توان گفت که ارزش بازار هر سهم منعکس کننده تمامی اطلاعات مربوط باشد آنگاه قیمت سهام قیمت ذاتی[[35]](#footnote-35) یا قیمت بنیادی[[36]](#footnote-36) است([اِرهارت و بیرگِم 2011: 9](#_ENREF_9)). البته باید در نظر داشت که تعیین قیمت سهام یک شرکت معمولا تابع عوامل مختلفی است که از جمله مهمترین آنها می توان به عوامل چون؛ سودآوری شرکت، انتظار سودآوری آتی شرکت منجمله پیش بینی سود هر سهم و شرایط کلان اقتصادی کشور، تغییرات قیمت سهام در سال‌های گذشته ، میزان تولید و فروش یکسان‌، وضعیت خاص صنعت‌، سیاست تقسیم سود سهام، طرح‌های توسعه و افزایش سرمایه‌، ترکیب دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌، اعتبار و سابقه شرکت‌، بدهی‌های احتمالی‌، اطلاعات درونی شرکت و شایعات‌، نسبت قیمت به درآمد هر سهم (P/E)، عرضه و تقاضای سهام‌ و بالاخره مدیریت شرکت‌ اشاره کرد که این عوامل از جمله مواردی هستند که به نوعی بر بالا و پایین رفتن قیمت سهام یک شرکت تاثیر‌گذار هستند.

#### نسبت قیمت بازار هر سهم به سود هر سهم[[37]](#footnote-37)

نسبت قیمت به سود هرسهم یکی از رایجترین و پر کاربردترین نسبت­ها برای تجزیه و تحلیل ارزش یک شرکت چه از سوی سرمایه داران جهت سرمایه­گذاری و چه از سوی سهامداران از بعد مالکیت شرکت می باشد([مهرانی و رسائیان 1388: 95](#_ENREF_49))، این نسبت نمادی از بازدهی شرکت و از مبانی تصمیم­گیری جهت خرید وفروش سهام می باشد([بزرگ اصل 1384: 170](#_ENREF_29)) که نشان می­دهد سرمایه­گذاران چقدر مایل هستند برای هر دلار(ریال) از درآمد هر سهم شرکت پرداخت نمایند([لی و لی 2013: 176](#_ENREF_17)).همچنین پایین بودن این نسبت می­تواند نظر سرمایه­گذاران را نسبت به خرید سهام شرکت جلب نماید([برِلی و همکاران 2001: 282](#_ENREF_2)).

####  نسبت قیمت بازار هر سهم به ارزش دفتری هر سهم[[38]](#footnote-38)

نسبت ارزش بازار هر سهم به ارزش دفتری هرسهم معیاری است برای نشان دادن اینکه آیا ارزش دارایی­های یک شرکت به شکل موثرتر بیش از بهای تمام شده تاریخی(یا ارزش تسویه) آنها مورد استفاده قرار می­گیرد([برک و همکاران 2012: 30](#_ENREF_3)). نسبت بالا(بیش از یک)­ در این معیار نشان­دهنده خوش­بینی زیاد سرمایه­گذاران نسبت به ارزش بازرار دارایی­های شرکت، دارایی­های نامشهود و توانایی مدیران[[39]](#footnote-39) شرکت است([لی و لی 2013: 176](#_ENREF_17))، همچنین تحلیل­گران اغلب شرکتهای با نسبت پایین بازار به ارزش دفتری هر سهم را به عنوان شرکتهای با سهام ارزشی[[40]](#footnote-40) و شرکتهای دارای نسبت­های بالا را به عنوان سهام درحال رشد[[41]](#footnote-41) طبقه بندی می­کنند([30](#_ENREF_3)).

####  بازده درآمدی هر سهم[[42]](#footnote-43)

بازده درآمدی هر سهم عبارت است از نسبت سود هر سهم به قیمت بازار هر سهم(که برعکس فرمول محاسبه نسبت قیمت بازار هر سهم به سود هر سهم است. این نسبت توسط بسیاری از مدیران سرمایه­گذار جهت مشخص کردن مقدار بهینه تخصیص دارایی­ها استفاده می­شود. پایین بودن این نسبت نشان­دهنده رشد بالاتر از میانگین درآمدها است و چناچه بازده درآمدی بالاتر از نرخ بهره باشد سهام خرید هستند و اگر پایین­تر باشد سهام بیش از قیمت واقعی خود قیمت گذاری شده اند([لی و لی 2013: 467](#_ENREF_17))

# ۲-۱۰. سیاست تقسیم سود

اینکه چه مقدار از سود تحقق یافته هر سهم به صورت نقدی توضیع شود و چه میزان در شرکت باقی بماند یکی از مهمترین تصمیمات سیاستی شرکته به شمار میآید، که درآن تقسیم سود از دو جنبه مهم قابل بحث است([خدامی پور و همکاران 1392: 31](#_ENREF_35))؛ از یک سو می­توان آن را به عنوان یک عامل اثرگذار بر سرمایه­گذاری­های پیش­رو شرکت دانست، چرا که تقسیم سود موجب کاهش منابع داخلی و افزایش نیاز به منابع خارجی می­شود واز سوی دیگر بسیاری از سهامداران شرکت خواهان تقسم سود نقدی هستند ،از این رو مدیران با هدف حداکثر کردن ثروت همواره باید بین علایق مختلف آنان و فرصتهای سودآور سرمایه­گذاری تعادل برقرار کنند.که با توجه به این مفهومات می­توان سیاست تقسیم سود را مجموعهای از تصمیات شرکت جهت پردخت سود سهام به سرمایه­گذاران شرکت دانست ([لی و لی 2013: 91](#_ENREF_17)) که این تصمیمات به طور قابل ملاحظه ای تاثیر گذار به برنامه ها و سیاستهای آتی شرکتها می باشد.

# . انواع سیاست های تقسیم سود

سیاست های مختلفی در مورد نحوه تقسیم سود مطرح است که شرکتها هریک با توجه به اهداف و برنامه های آتی خود از آن استفاده می نمایندکه تفاوت این سیاستها در ثبات یا متغیر بودن سود پرداختی به سهامداران طی سال های مختلف است که از جمله این سیاستها می توان به موارد زیر اشاره نمود([بورس اوراق بهادار تهران 1389: 15](#_ENREF_31))؛

## الف: سیاست تقسیم سود منظم[[43]](#footnote-44)

در این روش شرکت از یک سیاست منسجم و منظم در پرداخت سود پیروی می کند و سعی می کند با وجود نوسان سود طی سال های مختلف ، نظم در پرداخت سود سهام را حفظ نماید. همچنین شرکتهایی که چنین سیاستی را در پیش می گیرند برای استمرار نظم در پرداخت سود سهام، معمولا در دوره هایی که درآد شرکت بالاست و از نقدینگی خوبی برخوردار است با اندوخته کردن مبالغی از درآمد ، کسری وجوه خود در دوره های کمبود را جبران می کنند و با دلایلی چون افزایش وفاداری و اعتماد  سرمایه گذاران به شرکت، افزایش اعتماد بازار نسبت به شرکت و مدیریت در جهت تامین مالی از طریق بازار و از طریق فروش سهام جدید یا اوراق قرضه و ... اشاره کرد که از جمله این روش ها برای تقسیم سود منظم به شرح زیر است:

 **۱-روش درصد ثابتی از درآمد هر سهم[[44]](#footnote-45)**

در این روش شرکت ها درصد ثابتی از درآمد خالص خود را به عنوان سود سهام پرداخت می کنند به این معنی که در هر سال درصد ثابتی عایدات به عنوان سود سهام بین سهامداران توزیع می شود و این پرداختی به تناسب تغییر در درآمدهای شرکت نوسان می یابد که به نوعی می توان رابطه بین درآمد هر سهم و سود پرداختی با توجه به این سیاست را چنین ترسیم کرد

****

 **۲-روش مبلغی ثابت[[45]](#footnote-46)[[46]](#footnote-47)**

بر اساس این سیاست، شرکت هر ساله مبلغ مشخصی را به عنوان سود سهام توزیع می نماید که توزیع این مقدار سود بدون توجه به نوسانت سود سالانه شرکت انجام می گیرد و حتی ممکن است پرداخت سود در دوره های زیان نیز انجام گیرد البته باید در نظر داشت پیروی از این سیاست بدین معنی نیست که سود پرداختی برای تمام سال­های آینده بدون تغییر باقی می­ماند بلکه وقتی درآمدهای شرکت افزایش می­یابد و انتظار می­رود که سطح جدید درآمد در آینده نیز استوار و پابرجا بماند، مبلغ پرداختی افزایش خواهد یافت و همچنین اگر پیش­بینی شود که این افزایش در درآمد موقتی است، تغییری در سطح سود پرداختی به وجود نخواهد آمد.

**۳-روش حجم ریالی ثابت به علاوه یک مبلغ اضافه[[47]](#footnote-48)**

در این حالت،شرکت حداقل سود پرداختی پایه را تعیین می­کند و سعی می­کند در هر شرایط اقتصادی و درآمدی،حداقل تعیین شده را پرداخت کند.در صورت بهبود وضعیت درآمدی هم شرکت مبلغ متغیری از سود را به عنوان مبلغی اضافی بین سهامداران خود توزیع می­کند.

  **۴-روش پرداخت درصدی از ارزش بازار[[48]](#footnote-49)**

از دیگر روش هایی که در سیاست تقسیم سود منظم وجود دارد پرداخت سود سالانه را بر اساس درصدی از قیمت بازار سهام شرکت است، البته درصد پرداختی سود سهام در این روش تا اندازه زیادی به قیمت سهم شرکت بستگی دارد.چنانچه قیمت سهم بسیار بالا باشد درصد پرداختی کم تعیین می­شود وبالعکس.

از ویژپی های بارز این روش تأکید بر حجم بازده سهامداران است به این معنی که چون نرخ بازده براساس قیمت بازار سهام محاسبه می­شود، مقدار سود پرداختی گواه این قضیه است.

 **۵-روش درصدی از قیمت اسمی**

یکی از روش هایی که کمتر مورد توجه است،پرداخت سود بر اساس درصدی از قیمت اسمی به عنوان سود سهام است که این سیاست به تنهایی نمی­تواند اطلاعلات مفیدی در اختیار سهامداران قرار دهد.ولی می­تواند به توزیع سود قابل توجه در شرکت­هایی منجر شود که درآمد وارزش اسمی سهم­شان اندک است.

**ب: سیاست تقسیم سود نا منظم:[[49]](#footnote-50)**

در این سیاست شرکت روش مشخصی در پرداخت سود سالانه ندارد و از هیچ قاعده ای استفاده نمی کند. بنابراین پرداخت سود رابطه مشخصی با درآمد سالانه شرکت ندارد.

در این سیاست،شرکت روش مشخصی در پرداخت سود سالانه ندارد و ازهیچ قاعده­ای استفاده نمی­کند. بنابراین،پرداخت سود رابطه مشخصی با درآمدهای سالانه شرکت ندارد.برای نمونه،شرکت ممکن است به منظور اجتناب از جرایم ناشی از وجود اندوخته­های زیادی وسود سنواتی،مقداری از سود خود را توزیع کند یا با وجود درآمدهای قابل توجه از توزیع آن خودداری نماید که این مسئله می تواند حاکی از پیامدهای زیر برای شرکت باشد؛

 ۱-شرکت دارای درآمدهای نامنظم وغیرقابل پیش­بینی است.

۲-محیط شرکت و شرایط درونی و خارجی آن متغیر ومتلاطم است.

۳-شرکت دارای سهامداران معدود ومتجانس است.

۴-ضعف­های ناشی از مدیریت محافظه­کارانه منجر به اتخاذ تصمیم برای تقسیم سود شود.

۵- بورس اوراق بهادار غیرفعال بوده و نقش کمی در سرمایه­گذاری ملی داشته باشد.

**ج: سیاست تقسیم سود باقی مانده:[[50]](#footnote-51)**

شرکت ها با کنار گذاشتن وجوه در سالهایی که سود کمتری را به تامین مالی سرمایه گذاریها اختصاص می دهد برای سالهایی که برای تامین مالی سرمایه گذاریها با کسری وجوه روبرو است پرداختهای سود سهام خود را یکنواخت می کنند که به صورت سه روش اعمال میشود:
۱-سیاست تقسیم کامل سود باقی مانده.[[51]](#footnote-52)
۲-سیاست پرداخت درصد ثابتی از سود باقی مانده.[[52]](#footnote-53)
۳-سیاست تقسیم سود باقی مانده یکنواخت[[53]](#footnote-54).

۱)سیاست تقسیم کامل سود باقی­مانده:[[54]](#footnote-55)در این روش شرکت پس از تأمین نیازهای مالی خود از درآمدها،بقیه آن را به صورت سود سهام توزیع می­کند.

۲) سیاست پرداخت درصد ثابتی از سود باقی­مانده[[55]](#footnote-56):در این سیاست هم تأمین مالی پروژه­های سرمایه­گذاری در الویت قرار دارند ولی شرکت درصدی از سود باقی­مانده را به جای توزیع کامل آن،تقسیم می­کند.

۳)سیاست تقسیم سود باقی مانده یکنواخت[[56]](#footnote-57): در این روش پرداخت سود از یک الگوی ثابت پیروی می­کند.بدین صورت که مبالغ پرداختی سود در بلندمدت با مجموع درآمدها منهای نیازهای مالی شرکت برابر است.بنابراین اگر در بلند مدت متوسط نیازهای مالی شرکت بیش از درآمدها باشد؛هیچ سودی توزیع نخواهد شد.

# ۲-۱۲. عوامل تاثیر گذار بر سیاست تقسیم سود شرکت

از جمله عوامل تعیین کننده و تاثیر گذار بر سیاست تقسیم سود شرکتها می توان به ویژگیهای خاص شرکت نظیر نقدینگی، سودآوری، ریسک تجاری، اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت سرمایه گذاری سودآور و ویژگی های حاکمیت شرکتی مانند مدیران غیرموظف هیات مدیره اشاره کرد([فروغی و اولاد حسین 1389: 46](#_ENREF_44)).

نقدینگی: نامناسب بودن وضعیت نقدینگی شرکت­ها سبب محدود کردن مدیرنا در توزیع سود می­شود چراکه سود سهام مستلزم پرداخت وجوه نقد است از این رو وضعیت نقدینگی شرکت، تصمیمات مربوط به تقسیم سود را تحت الشعاع قرار می­دهد

سودآوری: به عنوان توانایی شرکت برای ایجاد سود تعریف می شود و به عنوان یک عامل مهم و اثرگذار بر خط مشی تقسیم سود در نظر گرفته می­شود واین به این دلیل است که شرکتهای سود آور تمایل به پرداخت سود بیشتری دارند. همچنین بر اساس تئوری پیام رسانی شرکتهای سودآور با پرداخت سود تقسیمی بیانگر این مطلب هستند که عملکرد مالی آنها خوب است.

اندازه شرکت: بر این اساس که شرکت-های بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک دسترسی راحت تری به بازار سرمایه دارند و قادر به پرداخت سود بیشتری هستند.

اهرم مالی:شرکتهایی که نسبت بدهی زیادی به حقوق صاحبان سهام دارند برای تأمین وجوه مورد نیاز به منظور پرداخت بهره و اصل بدهی در سررسید، ممکن است درصد بیشتری از سود را در شرکت حفظ کند یا بر مبنای قراردادهای بدهی مکلف به عدم توزیع درصدی از سود شده باشد.از سوی دیگر با افزایش درجه اهرم ( نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام )ریسک مالی شرکتها افزایش می یابد و در راستای کاهش این ریسک شرکت­ها مجبور به کاهش درصد توزیع سود می­شوند

فرصت های سرمایه گذاری سودآور: یکی دیگر از عوامل تعیین کننده سیاست تقسیم سود فرصت های سرمایه گذاری سود آور است به این ترتیب که بسیاری از شرکت ها زمانی تصیم به پرداخت سود می گیرند که وجوه نقد مازاد بر سرمایه گذاریهای مورد انتظار داشته باشند. در واقع شرکتها ابتدا وجوه مورد نیاز را از محل سود انباشته برای پروژه­های بلندمدت خود مشخص، و سپس وجوه مازاد را بین سهامداران توزع می­کنند. از این رو شرکت هایی که از فرصت های سرمایه گذاری سودآور و موقعیت رشد بیشتری برخوردارند در راستای رشد آینده درصد کمتری از سود خود را بین سهامداران توزیع می­کنند.

مدیران غیرموظف هیات مدیره

بین اعضای غیرموظف هیات مدیره و خط­مشی تقسیم سود ارتباط وجود دارد. بر این اساس که از مدیران غیرموظف در هیات مدیره به عنوان یک مکانیزم­ اثربخش برای کاهش تعارضات نمایندگی در شرکت به کار گرفته می شود در نتیجه اگر مدیران دارای ترجیحات و اولویتهایی باشند که مطابق با اولویتهای سهامداران باشد تصمیمات آنها برای مالکان شرکت هزینه کمتری را در بر خواهد داشت. از این رو چنین استدلال می­شود که شرکتهایی که مدیران غیرموظف دارند سود کمتری پرداخت می­کنند که این شواهد مطابق با فرضیه جایگزینی می­باشد یعنی طبق فرضیه جایگزینی شرکتهای با مکانیزم حاکمیت شرکتی ضعیف هستند و نیاز به ایجاد شهرت و اعتبار دارند این نیاز خود را طریق پرداخت سود تقسیمی تامین می کنند.

# ۲-۱۳. نقش مدیریت در گزارشگری

همانطور که که استفاده­کنندگان صورتهای مالی، نقش پاسخواه را دارند، تهیه کنندگان صورتهای مالی نیز نقش پاسخگویی را برعهده دارند. و از آنجایی که مدیران مسئول تهیه و ارائه صورتهای مالی هستند، مسئولیت پاسخگویی به نیاز استفاده­کنندگان را نیز بر عهده دارند، این امر باعث می شود مدیران بنحوی عملکرد خود را نشان دهند که واقعیت موضوع باشد. اما تفکیک مالکیت از مدیریت در شرکتهای سهامی این امکان بالقوه را برای مدیران به وجود می آورد، تا حداقل بخشی از ثروت سایر گروه­های درگیر با سازمان را به سوی خود منتقل نمایند چرا که مدیران به اطلاعاتی دسترسی دارند که افراد، به حداقل بخشی از این اطلاعات دسترسی دارند. همچنین به خاطر مسئولیت پاسخگویی که مدیران در مدیریت شرکتها دارند به طور ذاتی سعی بر این دارند عملکرد شرکت را که برخاسته از توانایی­های مدیریتی آنها است به بهترین نحو نمایش دهند، که به نوعی مدیریت سعی می­کند مبلغ و نحوه ارائه سود شرکت را دستکاری کند ([دستگیر و رستگار 1390: 2](#_ENREF_38)) به این نحو که بر اساس رویکرد تعهدی در صورت تحقق درآمدها و وقوع هزینه­ها میتوان سود را گزارش کرد و از آنجا در مبنای تعهدی لزوما شناسایی درآمدها و هزینه­ها همراه با دریافت و پرداخت وجه نقد نبوده،و در محاسبه سود نیز از پیش­بینی­ها و برآوردها استفاده می­شود،از این رو این پرسش مطرح میشود که تا چه میزان می­توان به این رقم در هنگام اخذ تصمیم اطمینان کرد. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت پیدا می­کند که اخذ تصمیم نادرست به سبب اطلاعات ناکافی و ناصحیح موجب می­شود که تسهیم منابع به صورت ناعادلانه انجام شود. اختیار عمل مدیران در استفاده از متغیرهای تعهدی و نقدی و استفاده از برآورد و پیش­بینی این متغیرها از جمله عواملی است که بازده سهام شرکتها را تحت تاثیر قرار می­دهد([طالب نیا و حسین.پور 1389: 24](#_ENREF_42)).

# ۲-۱۴. مفهوم مدیریت سود

یکی از مهمترین ویژگی ذاتی هر انسان میل به منفعت است که به واسطه این میل انگیزه­ای در انسان ایجاد می­شود که بنحوی عمل نمایدکه باعث حداکثر شدن آن شود. البته باید توجه داشت که این ویژگی ذاتی در انسانهای مختلف متفاوت است به این نحو که میل منفعت طلبی گاهاً در بعضی افراد فقط نسبت به خود شخص است و گاهی نیز این میل علاوه بر خود شخص نسبت به دیگران نیز وجود دارد. همچنین باید در نظر داشت که چشم انداز و افق فکری افراد نسبت به میزان و مدت زمان دستیابی به آن نیز متفاوت است به این نحو که بعضی افراد دارای نگرشی هستند که منفعت را در حال حاضر و یا به نوعی منفعت آتی را در دوره­های آتی نزدیک جستجو می نماید و بالعکس افرادی وجود دارند که دارای نگرشی بلند مدت بوده، یعنی این افراد منفعت را در بلند مدت و در آتی جستجو می نمایند.

مدیران شرکتها نیز از این ویژگی ذاتی انسانی بدور نیستند لذا میل به منفعت طلبی در آنها باعث می­شود عملکرد خود را به نحوی انجام دهند که بهترین عملکرد ممکنه از عملکرد شرکت(عملکرد خود)را به استفاده­کنندگان از طریق صورتهای مالی ارائه نمایند. چرا که این موضوع باعث می­شود اولاً سهامداران به عنوان مالکین نظر مساعدتری را نسبت به وظیفه مباشرت مدیران خواهند داشت و این مسئله می­تواند موجبات افزایش منفعت را برای مدیران به همراه داشته باشد. ثانیاً دیگر استفاده­کنندگان اعم از؛ فروشندگان کالا و خدمات، وام دهندگان و اعتبار دهندگان و سایر استفاده­کنندگانی که به طور غیر مستقیم در ایجاد عملکرد مناسب برای مدیران در ارتباط هستند می­توانند اعتماد بیشتری را نسبت به انجام معاملات و یا اعطای اعتبار به شرکت را داشته باشند و به این نحو باعث فراهم آوردن ابزار لازمه مدیریت در بهبود عملکرد شرکت شوند.

از نظر واقعی رسیدن به عملکرد مناسب برای همه مدیران قابل دسترس نیست از این رو مدیران جهت دستیابی به ارائه یک گزارش مناسب از عملکرد مالی شرکت دست به اقداماتی می­زنند یعنی مدیران از طریق اعمال نظرها و همچنین با در اختیار داشتن ابزاری می­توانند محتوی گزارشهای مالی را به نحوی تغییر دهند که برای استفاده­کنندگان به گونه­ای جذاب به نمایش گذاشته شوند، و این موضوع مخصوصاً در رابطه با سود شرکت که مورد توجه و علاقه بسیاری از استفاده­کنندگان از صورت های مالی است رخ می دهد[[57]](#footnote-58).

در مفهوم کلی به این اعمال نظرها و اختیارات از سوی مدیران، مدیریت سود[[58]](#footnote-59) می گویند. در متون تحقیقی این واژه به صورت زیر تعریف شده است؛

طبق تعریف([هیلی و واهلن 1999: 368](#_ENREF_13)) مدیریت سود زمانی رخ می­دهد که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش مبادلات به صورتی وارد نمایند که باعث تغییر در محتوای گزارشهای مالی شده و به موجب آن بتوانند برخی از سهامداران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند و یا بر معیارها و پیامدهای قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده­اند تأثیر بگذارند.

مدیریت سود، عبارت است از"دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری مالی خارجی، با قصد به دست آوردن برخی از منافع شخصی[[59]](#footnote-60)"([مُوهِرِل[[60]](#footnote-61) و همکاران 2005: 14"به نقل از اسکیپر 1989: [[61]](#footnote-62)92 "](#_ENREF_19)).

مدیریت سود عبارت است از مجموعه­ای از تصمیمات آگاهانه مدیریتی که باعث گزارشگری ناصحیح کوتاه مدت و حداکثر­سازی ارزش درآمدها می­شود ([رُونِن و یاری[[62]](#footnote-63) 2008: 27](#_ENREF_22)).

همچنین طبق تعریف([اسکات 2012: 423](#_ENREF_25))"مدیریت سود عبارت است از انتخاب رویه­های حسابداری و یا اقداماتی که توسط مدیران در تأثیر گذاری بر درآمدها به منظور بدست آوردن اهداف خاص از گزارش این درآمدها انجام می­شود".

اصول پذیرفته شده و مبنای تعهدی حسابداری به مدیران اجازه می­دهد که در گزارشگری مالی به منظور انتقال اطلاعات ،تشخیص و قضاوت خود را اعمال کنند .اعمال قضاوت توسط مدیران و اختیارات آنان درفرآیند گزارشگری مالی ،به "مدیریت سود" شهرت یافته است([اعتمادی و همکاران 1391: 102](#_ENREF_26)).

# ۲-۱۵. روشهای مدیریت سود

فرآیند مدیریت سود همانطور که در قبل ذکر شد از طریق اعمال نظرها و نیز استفاده گزینشی از روش­های حسابداری خاص در فرآیند گزارشگری مالی است. در حالت کلی فعالیت­های مربوط به مدیریت سود به طور معمول در دو طبقه دسته بندی می­شوند؛ ۱. از طریق دستکاری فعالیت­های واقعی ۲. از طریق دستکاری اقلام تعهدی.

مدیریت سود ازطریق دستکاری فعالیت­های واقعی[[63]](#footnote-64) ( مدیریت سود واقعی[[64]](#footnote-65)(: شامل مجموعه­ای از اقدامات مدیریتی است که در جهت دستیابی به اهداف از سطح سود مشخص از فعالیت­های عادی شرکت منحرف می­شوند([رُوشادهِری[[65]](#footnote-66) 2006: 336](#_ENREF_24)) و این اقدامات به طور مستقیم بروی جریان­های نقدی شرکت تأثیر گذار است([کُوهِن و زَرُوین[[66]](#footnote-67) 2010: 2](#_ENREF_5)). از جمله این اقدامات می توان گزینش در مقدار هزینه­های اختیاری از جمله هزینه تبلیغات، هزینه­های تحقیق و توسعه و یا مخارج سرمایه­ای[[67]](#footnote-68) اشاره کرد. به این نحو که ممکن است مدیران جهت دستیابی به مبلغ سود مشخص اقدام به کاهش در هزینه­های تبلیغات و یا هزینه­های تحقیق و توسعه نمایند و یا ممکن است اقداماتی مبنی بر کاهش سود از طریق افزایش در چنین هزینه­هایی را انجام دهند.

مدیریت سود از طریق دستکاری اقلام تعهدی[[68]](#footnote-69)(مدیریت سود مصنوعی[[69]](#footnote-70)) شامل مجموعه­ای از اقدامات است که از طریق انتخاب­های حسابداری[[70]](#footnote-71) بدست می آید([رُونِن و یاری 2008: 316](#_ENREF_22)). همچنین می­توان گفت، دستکاری اقلام تعهدی که شامل مجموعه اقدامات غیر عادی، البته در راستای فعالیت­های عادی شرکت و همچنین انتخاب­های گزینشی در روش­ها و برآوردهای مختلف مجاز حسابداری است، که این اقدامات به طور مستقیم به روی جریان­های نقدی شرکت تأثیر گذار نیستند([کُوهِن و زَرُوین 2010: 2](#_ENREF_5)). از جمله می توان به گزینش در روش­های حسابداری مختلف مجاز مثلا در بحث استهلاک، ارزیابی موجودی­ها(استفاده از روش اولین صادره از اولین وارده به جای استفاده از روش اولین صادره از آخرین وارده در ارزیابی موجودی کالا) و در بحث برآوردها می­توان به برآورد عمر مفید و ارزش اسقاط یک دارایی و برآورد از میزان ذخیره لازم برای حسابهای دریافتنی مشکوک الوصول ویا سایر هزینه­های احتمالی اشاره کرد، که این اقدامات هریک به نوبه خود می­تواند در جهت افزایش و یا کاهش سود انجام گیرد.

البته باید در نظر داشت که به طور معمول مدیریت سود از طریق دستکاری اقلام تعهدی اختیاری انجام می­شود چرا که([مینگ-چای و یوآن-چِنگ 2010: 956](#_ENREF_18))؛ در عمل ساده بوده و دارای هزینه­های دستکاری پایینی(نسبت به مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت­های واقعی) هستند و همچنین به راحتی توسط خوانندگان از گزارشهای مالی قابل شناسایی نیستند[[71]](#footnote-72).

# ۲-۱۶. عوامل و انگیزه­ها از مدیریت سود

عوامل و انگیزه­های مختلفی باعث مبادرت مدیران به مدیریت سود می­شود، که در حالت کلی این انگیزه­ها نشات گرفته شده از؛ نگرش­ها و اعتقادات شخص[[72]](#footnote-73) و یا فشارها از گروهای وابسته[[73]](#footnote-74)می­باشد. نگرش­ها و اعتقادات شخص؛ اشاره به احساسات شخصی و تکنیک­های رفتاری دارد، به این نحو که می تواند خیرخواهانه (در جهت نفع شرکتها)، خود خواهانه (برای منفعت­های­شخصی) و یا محکومیت­های رفتاری[[74]](#footnote-75) (ارزیابی از رفتار مدیریت سود و پیش بینی­ها از جانب موافقین و منتقدین باشد([مینگ-چای و یوآن-چِنگ 2010: 958](#_ENREF_18)). همچنین فشارها از گروهای وابسته؛ اشاره به گرایش مدیران نسبت به درگیر شدن در مدیریت سود تحت الزامات از گروه­های وابسته از قبیل نظارت کنندگان، سهامداران، اعتبار دهندگان و یا تحلیل­گران دارد ([958](#_ENREF_18)). حال شناخت از مهمترین این عوامل و انگیزه­ها می­تواند افق وسیع­تری را برای درک کامل از این پدیده را به همراه داشته باشد. اصولا از مهمترین عوامل و انگیزه­هایی مدیریت سود به صورت تفکیکی می­توان به موارد زیر اشاره کرد؛

طرح پاداش مدیران[[75]](#footnote-76): طرح پاداش مدیران عبارت است از قرارداد بین شرکت(از سوی هیئت مدیره) و مدیران در رابطه با حقوق و پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران با توجه به عملکرد آنها در طول مدت یک سال(یک دوره مالی). میزان محاسبه این پاداش در شرکتها به طور معمول بر مبنای درصدی از میزان سود خالص گزارش شده شرکت است، لذا این موضوع به عنوان یکی از انگیزه­های مدیران از اقدام به مدیریت سود در جهت حداکثر کردن میزان پاداش مدیران به شمار می­رود، به نحوی که مدیران تلاش می­کنند در هر سال میزان سود گزارش شده شرکت را به حداکثر مقدار ممکنه برسانند و به دنبال آن باعث افزایش میزان پاداش خود شوند. البته می بایست این را در نظر گرفت که ممکن است طرح پاداش بر مبنای حداقل سود(کف) و حداکثر سود(سقف) نیز تعیین شود یعنی پاداش فقط زمانی تعلق می­گیرد که میزان سود گزارش شده از مبلغ معینی بالاتر باشد و این پاداش تا جایی ادامه دارد که مبلغ سود به حداکثر میزان مشخص شده در قرارداد برسد، یعنی چنانچه مبلغ سود از حد معینی فراتر رود به مبالغ اضافی آن پاداش تعلق نمی­گیرد. لذا طبق نمودار شماره یک (نمودار طرح پاداش مدیران)[[76]](#footnote-77) ؛

1. زمانی که سود خالص پایین­تر از مبلغ حداقل باشد، مدیران بر این انگیزه­اند که سود خالص را به منظور انتقال آن به دوره بعد کاهش دهند.
2. زمانی که سود خالص بالاتر از مبلغ حداقل باشد مدیران بر این انگیزه­اند که سود خالص را افزایش دهند و این افزایش تا زمانی ادامه دارد که به مبلغ حداکثر سود خالص برسند. در نتیجه؛
3. زمانی که سود خالص بخواهد بالاتر از مبلغ حداکثر باشد مدیران بر این انگیزه هستند که سود خالص را کاهش دهند و به نوعی سود خالص اضافی را به دوره بعد انتقال دهند.

میزان پاداش

سود خالص گزارش شده

حداکثر(سقف)

حداقل(کف)

**نمودار طرح پاداش مدیران**

انگیزه­های مالیاتی: مالیات شرکتها به عنوان یک هزینه از طرف مراجع دولتی هر کشور بر مبنای درصدی از سود خالص گزارش شده شرکتها دریافت می­شود. از این رو مدیران به منظور کاهش در میزان مالیات پرداختی خود بر این انگیزه می­شوند که میزان سود خاص گزارش شده شرکت را کاهش و به تبع آن از خروج وجه نقد(پرداخت مالیات بیشتر) جلوگیری نمایند.

انگیزه­های سیاسی: در مواردی وجود دارد که شرکت مورد توجه بسیاری از مراجع دولتی و یا عموم قرار دارد و افزایش در میزان سود گزارش شده شرکت می تواند نظر نامسائد آنها را نسبت به خود جلب نماید و مورد انتقاد از سود بیش از حد قرار بگیرند به این نحو که فرض کنید؛ شرکت آب و فاضلاب به عنوان یک شرکت در حال فعالیت است، که درآمد عملیاتی آن از طریق فروش(آب رسانی) به منازل و کارخانه­ها و سایر دستگاه­های دولتی و.. تأمین می­شود، حال زمانی که سود خالص گزارش شده به میزان قابل توجهی افزایش یابد این موضوع توجه خریدان(استفاده­کنندگان از خدمات آب رسانی) را به خود جلب کرده و باعث ایجاد یک نگرش منفی در آنها نسبت به بالا بودن آب بهای مصرفی از سوی آنها شده و این خود باعث می شود در سطح کلان موجب فشار دستگاه­های دولتی، کارخانه­ها و حتی عموم مردم نسبت به کاهش قیمت آب بهای مصرفی شود در صورتی که ممکن است واقعاً سود کسب شده توسط این شرکت کاملا طبق قیمت منصفانه آب بهای مصرفی باشد. لذا مدیران در این گونه موارد سعی بر این دارند که میزان سود گزارش شده خود را به نحوی کاهش دهند تا بدین وسیله درآمد آنها کمتر مورد توجه منتقدین و... قرار گیرد.

هماهنگی با مقدار سود پیش بینی شده توسط سهامداران و حسن شهرت شرکت[[77]](#footnote-78): سهامداران با توجه به سودهای کسب شده و نیز سود تقسیمی در دوره­های قبل یک پیش بینی نسبت به میزان سود خالص شرکت در دوره جاری و همچنین دوره­های آتی دارند. لذا مدیران با توجه به این موضوع یک مبلغ مشخصی را از میزان مبلغ پیش بینی سود از سوی سهامداران در نظر دارند، و این باعث می­شود مدیران بنحوی سود شرکت را مدیریت نمایند که در انتها سود گزارش شده تقریبا با مبلغ پیش­بینی شده از سوی سهامداران مطابقت داشته باشد. همچنین سایر استفاده­کنندگان ثبات در میزان سود شرکت را به عنوان حسن شهرت و عملکرد شرکت در دوره جاری و آتی قلمداد می­نمایند.

وجود انگیزه­های غیر مادی: مبنی بر اینکه مدیران علاوه بر منافع مادی خود،به دنبال پیشرفت شرکت نیز باشند، در این مورد می توان از اهدافی همچون، افتخار مشارکت در عملکرد، به خاطر لذتی که فرد از عملکرد بهتر می برد، اهداف ملی و اهداف مذهبی اشاره کرد([خوش طینت و خانی: 149](#_ENREF_37)).

# ۲-۱۷. ابزارهای اندازه­گیری مدیریت سود

همانطور که در مطالب پیشین ابزار مدیریت سود مورد اشاره قرار گرفت، استفاده از اقلام تعهدی بصورت تمرکز از طریق اقلام تعهدی اختیاری به شکل گسترده­ای از سوی مدیران مورد توجه و استفاده است از این رو اقلام تعهدی ابزار مناسبی برای مدیریت سود به شمار می روند.

## اقلام تعهدی[[78]](#footnote-79)

در سیستم حسابداری تعهدی، سود حسابداری متشکل از دو بخش؛ نقدی و تعهدی است که با توجه به اجزاء سود خالص طبق فرمول­های زیر([اسکات 2012: 427](#_ENREF_25))؛

ملاحظه می شود سود خالص از مجموع جریان­های نقدی حاصل از فعالیت­های عملیاتی و خالص اقلام تعهدی که خود متشکل از دو بخش اختیاری و غیر اختیاری است،حاصل می­شود. در یک جابه جایی ساده از فرمول بالا می­توان خالص اقلام تعهدی را از تفاوت سود خالص و جریان­های نقدی حاصل از فعالیت­های عملیاتی بدست آورد که در ادبیات تحقیقی مدیریت سود([هیلی 1985: 86](#_ENREF_12)) ؛ اقلام تعهدی عبارت از تفاوت سود خالص گزارش شده و جریان­های نقدی حاصل از فعالیت­های عملیاتی است.که شامل هزینه استهلاک، تغییرات در داریی­ها و بدهی­های جاری به غیر از وجه نقد (از قبیل حسابهای دریافتنی، موجودی کالا و حسابهای پرداختنی) می باشد([چالاکی و یوسفی 1391: 10](#_ENREF_34)).

### اقلام تعهدی غیر اختیاری[[79]](#footnote-81)

اقلام تعهدی غیر اختیاری، شامل اقلام تعهدی هستند که از معاملات انجام شده در دوره جاری به وجود آمده­ و طبق سطح عملکرد، استراتژی فعالیت شرکت، مرسومات صنعتی[[80]](#footnote-82)، رخدادهای اقتصادی کلان، و سایر عامل­های اقتصادی برای شرکتها نرمال محسوب می شوند([رُونِن و یاری 2008: 381](#_ENREF_22)). یعنی آن دسته از اقلام تعهدی که طی عملیات عادی شرکت ایجاد می­شوند، و در شرایط عادی بر اساس اطلاعات قابل دسترس سرمایه­گذاران برآورد می­شود اقلام تعهدی غیر اختیاری نامیده می­شود([نیکومرام و همکاران 1388: 5](#_ENREF_51)).

### اقلام تعهدی اختیاری[[81]](#footnote-83)

اقلام تعهدی اختیاری، شامل اقلام تعهدی هستند که طی یک فرآیند غیرعادی ناشی از تحریفات و دستکاری­های مدیریت(از معاملات انجام شده یا نحوه عمل در انتخاب از روش­های حسابداری[[82]](#footnote-84) ([رُونِن و یاری 2008: 381](#_ENREF_22))، به منظور مدیریت سود ایجاد می­شوند و به عنوان معیاری برای اندازه­گیری مدیریت سود شرکتها محسوب می­شوند، و مقدار این رقم از طریق تفاضل بین کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیراختیاری برآورد شده، بدست می­آید.

# کیفیت اقلام تعهدی

همانطور که اشاره شد اقلام تعهدی اختیاری به عنوان اصلی ترین ابزار مدیریت به منظور مدیریت سود محسوب می شود که طی این تاکید پژوهشگران مقدار این اقلام را به عنوان شاخص اصلی در جهت اندازه گیری و تعیین کیفیت سود و همچنین کیفیت اقلام تعهدی استفاده می کنند. البته به این مفهوم که هر چقدر میزان این اقلام کمتر باشد کیفیت اقلام تعهدی بالاتر است و بطور بالعکس هر چقدر میزان این رقم بالا باشد کیفیت اقلام تعهدی در سطح پایین تری قلمداد می شود. که به مفهومی سودی مطلوبتر است که به وجه نقد نزدیکتر باشد و هر چه زمان بین شناسایی درآمد و دریافت وجه نقد آن فاصله بیشتری وجود داشته باشد، سود از کیفیت پایین­تری برخوردار است([اعتمادی و همکاران 1391: 104](#_ENREF_26))

# ۲-۱۸. تحقیقات انجام شده داخلی

انصاری و همکاران (1393)طی پژوهشی به بررسی اثر مدیریت سود بر نقدشوندگی و ارزش شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند در این پژوهش برای اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر اساس مدل تعدیل شده جونز و مدیریت واقعی سود بر اساس مدل روچودهری و زاروین استفاده شده است نمونه آماری این پژوهش شامل 99 شرکت در طی سال های 1387 تا 1390 می باشد . نتایج با استفاده از روش رگرسیون های چند متغیره و روس داده های پانل بیانگر ارتباط مثبت و معنادار میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با معیار عدم نقد شوندگی آمیهود و ارتباط منفی و معنادار با معیار ارزش شرکت می باشد و در بخش نتایج بیانگر رابطه معنادار میان مدیریت سود واقعی و متغیرهای وابسته نمی باشد

تیموری (1393)طی تحقیقی به بررسی ارتباط بین رشد شرکت و ارزش گذاری اقلام تعهدی اختیاری پرداختند در این تحقیق برای اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری از مدل کالینز و همکاران(2011) و برای رشد شرکت؛ از سه معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ، نسبت قیمت به سود و همچنین رشد فروش استفاده شده است. از این رو تعداد 118 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی 1383 الی 1391، به منظور بررسی این موضوع مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در سطح کل، تفاوت معناداری در ارزش گذاری اقلام تعهدی اختیاری، بین شرکت های با رشد بالا و دیگر شرکت ها وجود ندارد و همچنین رابطه معناداری بین بازده و اقلام تعهدی اختیاری مثبت در شرکت های با رشد بالا یافت نشد.

خداشناس (1392)طی پژوهشی تأثیر هموارسازی سود بر حساسیت سرمایه­گذاری نسبت به قیمت سهام در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. برای هموارسازی سود از شاخص کل اقلام تعهدی و برای قیمت سهام از ضریب کیو توبین و بازده آتی سهام استفاده شده است. برای آزمون نقش تعدیل­کنندگی هموارسازی سود در رابطه بین سرمایه­گذاری و قیمت سهام از یک مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. نمونه این تحقیق شامل 118 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی 1385 تا 1387 مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق علاوه بر تأیید رابطه بین سرمایه­گذاری و قیمت سهام، بیانگر وجود رابطه معنادار و معکوس بین هموارسازی سود و حساسیت سرمایه­گذاری نسبت به قیمت سهام می باشد. همچنین یافته­های تحقیق نشان می­دهد که اندازه شرکت و جریانات نقدی عملیاتی به عنوان متغیرهای کنترل تأثیری بر رابطه بین هموارسازی سود و حساسیت سرمایه­گذاری نسبت به قیمت سهام ندارند.

[خدامی­پور و همکاران (1392](#_ENREF_35) ) طی تحقیقی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در یک نمونه مشتمل بر 450 مشاهده سال-شرکت طی دوره زمانی 1380-1389 مورد ارزیابی قرار دادند که در آن برای سنجش سیاست تقسیم سود شرکتها از نسبت سود تقسیمی به فروش خالص و برای سنجش نرخ مؤثر مالیاتی از رابطه هزینه مالیات به سود خالص قبل از کسر مالیات استفاده گردیده است و برای تجزیه و تحلیل داده­ها و آزمون فرضیه­ها از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره بر مبنای داده­های پانل استفاده شده است. در این تحقیق. نتایج نشان می­دهد که بین نرخ مؤثر مالیاتی و سیاست تقسیم سود ، رابطه­ای معنادار و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی،شرکتها به طور قابل ملاحظه­ای سود تقسیمی خود را کاهش می­دهند.

رمضانپور و همکاران (1392)طی تحقیقی به بررسی ارتباط نقش مدیریت سود و سودهای آتی در نقدشوندگی و قیمت سهام پرداختند در این تحقیق مدیریت سود از طریق برآورد سطح اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری شده است. الگوی مورداستفاده برای برآورد اقلام تعهدی، بر پایه مدل جریان نقدی تعدیل شده جونز که در سال 2005 توسط کوتاری و همکارانش تعدیل و آزمون شده است. نمونه آماری شامل 106 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی شش ساله ازسال 1385 تا پایان 1390 میباشد. آزمون فرضیه ها با استفاده از 636 مشاهده(سال/ شرکت) انجام گرفته است. به طور کلی نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین نقدشوندگی سهام و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد بین قیمت سهام و سودهای آتی در شرکتهایی با نقدشوندگی بالای سهام رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد

ابراهیم بایطی (1392)طی مطالعه ای به بررسی رابطه بین معیارهای محافظه کاری، وجوه نقد نگهداری شده با بازده سهام در شرکت­های بورس تهران مشتمل بر 103 شرکت طی بازه ی زمانی 1386 الی 1390 پرداختند. در این تحقیق برای شاخص محافظه کاری از دو شاخص نسبت منفی اقلام تعهدی به کل دارایی ها و نسبت کل اقلام تعهدی به سود سال آتی استفاده شده است همچنین شاخص دوم محافظه کاری برگرفته از مدل کالن و همکاران(2010) می باشد. مدل اول با استفاده از شاخص اقلام تعهدی منفی نتایج نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین محافظه کاری و بازده سهام است. در عین حال نتایج به دست آمده در خصوص رابطه ی شاخص اقلام تعهدی به سود آتی و وجه نقد نگهداری شده معنادار نمی باشد. در مدل دوم کیفیت سود به عنوان متغیری کنترل وارد مدل شده و تخمین مدل انجام شد که تغییر معنی داری در نتایج مشاهده نشد. در مدل سوم نتایج نشان داد که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان شاخص محافظه کاری غیرشرطی با وجوه نقد رابطه منفی و معناداری دارد.

[اعتمادی و همکاران( 1391](#_ENREF_26))طی تحقیقی با عنوان"مدیریت سود چگونه کیفیت سود شرکتها را تحت تاثیر قرار میدهد؟"تأثیر مدیریت سود بر چهار ویژگی سود شامل؛ کیفیت اقلام تعهدی، پایداری، قابلیت پیش­بینی و هموار بودن را در 303 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی 1387-1381مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق به طور خاص، فرضیه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود آزمون می­شود که براساس آن، مدیریت سود، کیفیت سود شرکت­ها را کاهش می­دهد. نتایج به دست آمده نشان می­دهد که با افزایش میزان اقلام تعهدی اختیاری(به عنوان نماینده مدیریت سود) از مقادیر مطلوب ویژگی­های سود کاسته می­شود و در این میان کیفیت اقلام تعهدی بیش از سایر ویژگی­ها، تحت تأثیر مدیریت سود قرار می­گیرد. همچنین­، افزایش در مقادیر اقلام تعهدی اختیاری با کاهش در امتیاز کیفیت سود شرکت­ها در ارتباط است که این نتایج از نظریه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود حمایت کرده، و نشان می­دهد که مدیریت سود بر محتوای اطلاعاتی حسابداری خدشه وارد می­کند.

( تاکر و همکاران 1391)طبق تحقیقی به بررسی رابطه بین پاداش هیئت مدیره و مالکیت نهادی با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در سطح شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال 1388-1384پرداختند. نتایج تحقیق با بکارگیری آزمون داده­های ترکیبی اثرات تصادفی بیانگر آن است که بین مالکیت نهادی[[83]](#footnote-85) سهام و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام، انعطاف پذیری شرکت برای مدیریت اقلام تعهدی کاهش می­یابد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین میزان پاداش هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد[[84]](#footnote-86).

ودیعی و عظیمی­فر (1391)در این پژوهش،ارتباط بین ارزش­گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران براساس داده­های 86 شرکت طی دوره 88-1382 بررسی شده است.ابتدا به طبقه بندی شرکت­ها به لحاظ ارزش حقوق صاحبان سهام آن­ها پرداخته شده و سپس سه نوع آزمون مختلف شامل،آزمون –t استیودنت دو نمونه­ای مستقل،تحلیل همبستگی و مدل رگرسیون برای بررسی فرضیه­ها به کار گرفته شده است.نتایج حاصل از آزمون فرضیه­های تحقیق،بیانگر آن است که شرکت­های بالا ارزش­گذاری شده در مقایسه با شرکت­های با ارزش­گذاری پایین،اقلام تعهدی اختیاری جاری بیش­تری را در سال جاری گزارش خواهند نمود و همچنین رابطه­ی معکوس بین جریان وجوه نقد عملیاتی و اقلام تعهدی اختیاری جاری علی­رغم این که در شرکت­های بالا ارزش­گذاری شده نسبت به شرکت­های با ارزش­گذاری پایین،از شدت بالاتری برخوردار است؛ اما این اختلاف در سطح 5% معنادار نیست.

اعتمادی و سلوری (1391) در تحقیق خود در بررسی انگیزه مدیریت از هموار سازی سود "مبنی بر اینکه آیا مدیران به قصد تحریف اقدام به هموارسازی می­کنند یا به قصد انتقال اطلاعات" پرداختند. در این پژوهش اثر هموارسازی سود را با توجه به دو متغیر اندازه شرکت(به شرکتهای بزرگ و کوچک[[85]](#footnote-87)) و نوع صنعت(به محوری و پیرامونی[[86]](#footnote-88)) بر پیش بینی سود و جریان­های نقد دوره­های آتی در مورد 82 شرکت نمونه انتخابی از سال 1378 تا سال 1388مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آن نشان می­دهد که هموار سازی سود در گروه­های مختلف تفکیک شده بیشتر به قصد تحریف و نه به قصد انتقال اطلاعات صورت می­گیرد. البته در صورت عدم تفکیک شرکتها نتایج نشان می­دهد، هموار سازی در مجموع ثبات سود را افزایش می­دهد(39).

شایسته شجاعی (1391)طی مطالعه به بررسی تبیین رابطه بین اجزای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام با اقلام تعهدی غیر عادی پرداختند، بدین منظور در این تحقیق، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام با توجه به نحوه محاسبه ارزش ذاتی سهام، به دو نسبت ارزش دفتری به ارزش ذاتی و نسبت ارزش ذاتی به ارزش بازار تفکیک شده و قدرت توضیح دهندگی هر یک از آنها تبیین و با قدرت توضیح دهندگی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار مقایسه شد. دوره زمانی این تحقیق، شامل شش سال متوالی از سال 1384 تا 1389 و مشتمل 141 شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بعنوان نمونه آماری انتخاب شده. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که در شرکتهای دارای اقلام تعهدی بالا، نسبت ارزش دفتری به ارزش ذاتی قادر به تبیین اقلام تعهدی بوده و دارای قدرت توضیح دهندگی است. همچنین در خصوص قدرت توضیح دهندگی نسبت ارزش ذاتی به ارزش بازار در هیچ یک از دو گروه شرکت مورد مطالعه نتایج معناداری مشاهده نشد. از طرف دیگر این فرضیه که قدرت توضیح دهندگی اجزای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار در مقایسه با قدرت توضیح دهندگی نسبت مزبور نیز بیشتر است، با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق پذیرفته نشد.

(دستگیر و مهرجو 1391)طبق تحقیقی به بررسی "اثر تغییرات اجزاء اقلام تعهدی عملیاتی بر سودآوری شرکتها" در مورد 147 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال­های 1381 تا 1386 پرداختند، به این نحو که ابتدا اقلام تعهدی با استفاده از مدل ریچاردسون به اجزاءکوچکتری تقسیم کرده وسپس اثر هریک از اجزاء به طور جداگانه بر سود سال آینده شرکتها سنجیده شد[[87]](#footnote-89). نتایج حاصل از تحقیق نشان­دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین تغییرات خالص اقلام تعهدی عملیاتی و تغییرات سرمایه در گردش شرکت در سال جاری و در سمت مقابل سود سال آینده است. همچنین نتایج نشان­دهنده وجود رابطه مثبت بین تغییرات در کارایی در سال جاری و سود سال آینده است و این امر نشان می­دهد که تغییرات کارایی در سال جاری با سود آینده هم جهت است. لذا این متغیر باعث پایداری بیشتر سود می­شود. شایان ذکر است که نتایج بدست آمده در مورد تغییرات خالص اقلام تعهدی عملیاتی بلند مدت و رشد فروش معنادار نیست.

(هاشمی و بهزادفر 1390)[[88]](#footnote-90)طی پژوهشی با عنوان "ارزیابی رابطه محتوای اجزای اقلام تعهدی و نسبت­های مالی منتخب با قیمت سهام شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تعداد نه فرضیه را تدوین و برای تجزیه و تحلیل داده­ها از سه مدل رگرسیون استفاده کردند. هر مدل علاوه بر سود هر سهم، شامل متغیرهایی[[89]](#footnote-91) است که می­تواند در زمینه دستکاری صورتهای مالی و ارزیابی سود و قیمت دارای محتوی اطلاعاتی باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده­ها و تخمین مدل­های به کارگرفته شده، از اطلاعات مالی 137 شرکت بین سال­های 1380 تا 1387 و از روش داده­های ترکیبی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه­های پژوهش بیانگر مربوط بودن سود هر سهم، نسبت­های سرمایه در گردش به دارایی، سود خالص به فروش و گردش دارایی ها در سطح اطمینان 95% در تبیین قیمت سهام شرکتهای نمونه است. همچنین نتایج نشان داد که در توضیح رابطه سود هر سهم و قیمت سهام، در نظر گرفتن اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای کیفیت سود، اهمیت زیادی را نشان نمی­دهد و تغییر پذیری سود کمتر تحت تأثیر موقعیت تجاری و تصمیمات مدیر از ناحیه اقلام تعهدی قرار می­گیرد. به طور کلی یافته­های پژوهش نشان داد که سود هر سهم مربوط ترین متغیر حسابداری به اررزش شرکت است و بین دارایی­های جاری و قیمت سهام رابطه معکوس وجود دارد.

صالحي و قرباني (1390)طی تحقیقی به بررسي رابطه بين محافظه کاري سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري طبق روش باسو پرداختند آنها طی مطالعه خود از 155 شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در طی بازه زمانی 7 ساله(1384-90) به این نتایج دست یافتند که بين محافظه کاري سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري ارتباط معناداري وجود ندارد.

صالحي و قرباني (1390)طی تحقیقی به بررسي رابطه بين محافظه کاري سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري طبق روش باسو پرداختند آنها طی مطالعه خود از 155 شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در طی بازه زمانی 7 ساله(1384-90) به این نتایج دست یافتند که بين محافظه کاري سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري ارتباط معناداري وجود ندارد.

سرایی (1390)طی تحقیقی به بررسی رابطه بین نسبتهای مالی(اعم از نسبتهای بدهیها به داراییها، بازده داراییها، بازده فروش و سرمایه در گردش به داراییها) و اقلام تعهدی یر قیمت سهام پرداخت . او طی مطالعه خود از 62 شرکت فعال در بروس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی1380 لغایت 1387 به این نتایج دست یافت که است که نسبتهای بدهیها به داراییها، بازده داراییها، و سرمایه در گردش به داراییها اثر مثبتی بر بازده سهام دارتد. در حالیکه نسبت بازده فروش اثر منفی بر بازده سهام دارد. بعلاوه، هر دو نوع اقلام تعهدی اهمیت زیادی در توضیح تغییرات بازده سهام دارند. ولی اقلام تعهدی غیر اختیاری در مقایسه با اقلام تعهدی اختیاری اهمیت بیشتری دارند.

[دستگیر و رستگار (1390](#_ENREF_38) )رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود) و بازده سهام با کیفیت اقلام تعهدی را روی، تعداد 95 شرکت از بین شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی 1386-1379 مورد بررسی قرار دادند و در ان برای ارزیابی پایداری سود از داده­های ترکیبی استفاده شده است.سپس برای آزمون فرضیات ،5 پرتفوی جداگانه بر اساس پایداری سود و بازده سهام ایجاد شد تا رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود) و بازده سهام با کیفیت اقلام تعهدی آزمون گردد. معیار اندازه­گیری کیفیت اقلام تعهدی در این تحقیق، اقلام باقیمانده رگرسیون تغییرات سرمایه در گردش بر روی جریان­های نقدی عملیاتی یک دوره گذشته ،دوره جاری و یک دوره آتی است؛ به طوری که بالا بودن انحراف معیار اقلام باقیمانده نشان­دهندۀ پایین بودن کیفیت اقلام تعهدی است .نتایج این تحقیق نشان می­دهد که کیفیت سود(پایداری سود) با کیفیت اقلام تعهدی رابطه مستقیم دارد؛ضمن اینکه با کاهش کیفیت اقلام تعهدی و افزایش اندازه اقلام تعهدی بازده سهام افزایش می­یابد.

سرودلیر (1390)طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر روی بازده سهام با استفاده از اطلاعات صورت های مالی و بازده سهام 875 مشاهده به صورت سال-شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1380 تا 1388 و با بهره گیری از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره، به کمک نرم افزارهای SPSS و Excel، مورد بررسی قرار گرفت. در کنار عامل کیفیت اقلام تعهدی، عوامل ریسک بازده سهام دیگری همچون اندازه شرکت ها، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، نرخ بازده بازار سهام و قدرت نقد شوندگی سهام شرکت ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می دهد که کیفیت اقلام تعهدی به عنوان عامل ریسک بر بازده سهام شرکت ها موثر می باشد. همچنین عامل نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت ها نیز بر بازده سهام موثر می باشد ولی این تأثیر با علامت منفی می باشد.

فخاری و همکاران(۱۳۹۰) طی تحقیقی به بررسی ارتباط بین همزمانی قیمت سهام و کیفیت اقلام تعهدی را در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند آنها همچنین، ارتباط بین اجزای کیفیت اقلام تعهدی شامل اقلام تعهدی اختیاری وغیراختیاری همزمانی قیمت[[90]](#footnote-92) را مورد مطالعه قرار دادند. در این راستا ۷۸ شرکت موجود در بورس اوراق بهادار در طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ به‌عنوان نمونه انتخاب شد و برای آزمون فرضیه‌ها نیز از دو روش مقطعی و ترکیبی استفاده شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت اقلام تعهدی و همزمانی قیمت سهام ارتباط منفی وجود دارد و همچنین، بین اقلام تعهدی غیراختیاری (ذاتی) با همزمانی قیمت نیز ارتباط منفی وجود دارد. اما بین اقلام تعهدی اختیاری و همزمانی قیمت رابطه مثبت معنادار حاکم است.

[یحیی زاده فر و عمادی(1390](#_ENREF_52)) ارتباط میان پارامترهای جریان نقدی آزاد و وضعیت سود آوری و میزان سود تقسیمی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در یک دوره ده سال (1376-1387)در مورد 66 شرکت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند .نتایج حاصل از این تحقیق نشان میدهد که رابطه معناداری بین وضعیت سودآوری و میزان سود تقسیمی شرکتها وجوددارد ، اما بین جریانهای نقدی آزاد و میزان سود تقسیمی شرکتها رابطه معناداری وجود ندارد

تالانه [[91]](#footnote-93)(۱۳۷۰([به نقل از یحیی زاده فر و عمادی 1390](#_ENREF_52))) سیاست و خط مشی های تقسم سود شرکتها را در ایران مورد بررسی قرار دادند او در تحقیق خود سه نوع سیاستهای پرداخت سود تقسیمی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل: سیاست پرداخت درصدی از ارزش بازار، سیاست پرداخت ثابت و سیاست سود تقسیمی باقیمانده را مورد آزمون قرار داد و به این نتیجه دست یاقت که شرکتهای پذیرفته شده در بورس تمایل به سیاست تقسیم سود ثابت دارند

(انصاری و خواجوی 1390) در مطالعه خود از بررسی ارتباط هموار سازی سود با قیمت بازار سهم و نسبت­های مالی (نسبت جاری، نسبت پوشش بهره و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام) در طی یک دوره زمانی 12 ساله از سال 1376 تا 1387 در مورد 163 شرکت انجام دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که هموار سازی سود باعث افزایش در قیمت بازار سهام شرکتها می­شود و همچنین نسبت جاری، پوشش بهره و بازده حقوق صاحبان سهام با هموار سازی سود همبستگی منفی دارد.

(آذربایجانی و همکاران 1390) در تحقیق خود چنین نتیجه گرفتند که علیرغم سنتی بودن معیارهای حسابداری و نو ظهور بودن معیارهای اقتصادی در انتقاد به معیارهای حسابداری، معیارهای اقتصادی نیز خود خالی از اشکال نبوده و با کاستی­هایی همراه هستند. از این رو انتخاب تنها یک معیار[[92]](#footnote-94) و اتکای صرف به آن را جهت ارزیابی عملکرد مالی شرکتها به تنهایی مناسب ندانسته و به کارگیری ترکیبی از معیارها را به منظور گرفتن تصمیمات اقتصادی آگاهانه توصیه می­کنند.

(مجتهدزاده و همکاران 1389) طی تحقیقی، که بر روی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال­های1380 تا 1385صورت پذیرفت، به بررسی رابطه بین مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت­های شرکت و بازده آتی دارایی­ها و جریان­های نقدی عملیاتی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد علیرغم این که مدیریت سود با استفاده از ابزارهای کاهش هزینه­های اداری، عمومی و فروش، افزایش سود غیرعملیاتی حاصل از فروش دارایی­های بلند مدت و تولید بیش از حد مورد استفاده مدیران شرکتهای ایرانی قرار می­گیرد، لیکن بین مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت­های شرکت و بازده آتی دارایی­ها و جریان­های نقدی عملیاتی آتی رابطه معناداری وجود ندارد.

(نیکومرام و همکاران 1388) در ارزیابی مدل­های مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود به این نتایج دست یافتند؛ که از 9 مدل مورد بررسی مدل­های مبتنی بر روش­های رگرسیونی از توان بیشتری نسبت به سه مدل هیلی، دی­آنجلو و تعدیل شده دی­آنجلو برخوردار هستند. همچنین از میان روش­های رگرسیونی روش اصلی جونز (1991) از توان کمتری برای تبیین مدیریت سود برخوردار است و در مورد ویرایش­های بعدی مدل جونز، مدل تعدیل شده جونز 1995 و مدل ساده دی­چاو2002 و مدل جامع دی­چاو2002، و نسخه­های تورم زدایی شده آن از توان قابل قبولی برای کشف مدیریت سود برخوردار است که از این بین مدل تعدیل شده جونز 1995 قابل اعتمادترین نتایج را در کشف مدیریت سود در میان مدل­های موجود برای محیط اقتصادی، اجتمائی و سیاسی ایران دارد[[93]](#footnote-95).

طی تحقیقی مجتهدزاده و عاملی (1388) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی شرکت ها پرداختند آنها برای اندازه گیری کیفیت سود،از چهار معیار اعم از اقلام تعهدی مطرح شده در مدل دیچو و دایچو (2002)، وجود اقلام استثنائی، تجدید ارائه صورت سود و زیان و همبستگی پیرسون بین درآمد عملیاتی جاری و آتی به عنوان متغیرهای مستقل و سود تقسیمی، نسبت سود تقسیمی به ارزش بازار هر سهم در تاریخ مجمع و تغییرات سود تقسیمی به عنوان متغیرهای وابسته ااستفاده کردند. نمونه‌های آماری تحقیق آنها شامل 85 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره پنج ساله 1381-1385 بود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این تحقیق نشان داد با معیار تجدید ارائه صورت سود و زیان، شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتر دارند سود تقسیمی را در زمان مقرر پرداخت نمی‌کنند؛ و نیز با معیار وجود اقلام استثنائی، شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتر دارند سود تقسیمی بیشتری پرداخت می‌کنند، و هیج کدام از چهار معیار کیفیت سود با تغییرات سود تقسیمی رابطه معنادار ندارند.

(جوان و همکاران 1388)[[94]](#footnote-96)در تحقیقی "بررسی تأثیر مدیریت سود، اندازه شرکت و نسبت­های سودآوری بر ساختار سرمایه" را در شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال­های 1382 تا 1386 مورد مطالعه قرار دادند. در این تحقیق نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام(ساختار سرمایه) به عنوان متغیر وابسته و اقلام تعهدی اختیاری، بازده دارایی­ها، بازده سرمایه و اندازه شرکت به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری با نسبت بدهی دارد. همچنین بین اندازه شرکت و ساختار سرمایه رابطه­ای معنادار و مثبت وجود دارد، ولی رابطه بین بازده دارایی­ها و ساختار سرمایه تایید نگردید و در نهایت بین بازده سرمایه و ساختار سرمایه رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

[علوی طبری و همکاران(1388](#_ENREF_43))طی تحقیقی رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی شرکتها در یک نمونه آماری شامل 85 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادرا تهران برای یک دوره پنج ساله 1385-1381 مورد مطالعه قرار دادند. آنان در تحقیق خود برای اندازه گیری کیفیت سود ،چهار معیار اقلام تعهدی مطرح شد ه در مدل دیچو و دایچو(2002) ، وجود اقلام استثنایی، تجدید ارائه صورت سود و زیان و همبستگی پیرسون بین درآمد عملیاتی جاری و آتی به عنوان متغیرهای مستقل و سود تقسیمی، نسبت سود تقسیمی به ارزش بازار هر سهم در تاریخ مجممع و تغییرات سود تقسیمی را به عنوان متغیرهای وابسته انتخاب شدند. نتایج حاصل از این آزمون فرضیه های این تحقیق نشان میدهد با ما معیار تجدید ارائه صورت سود وزیان ، شرکتهای که کیفیت سود بالاتری دارند سود تقسیمی را در زمان مقرر پرداخت نمی کنند؛ با معیار وجود اقلام استثنایی، شرکتهایی که کیفیت سود بالاتر دارند سود تقسیمی بیشتری پرداخت می کنند، وهیچ کدام از چهار معیار کیفیت سود با تغییرات سود تقسیمی رابطه معنادار ندارند.

مهرانی و رسائیان (1388) در تحقیقی مبنی بر"رابطه ارزش افزوده اقتصادی و نسبت­های مالی شرکتهای تولیدی بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی رابطه[[95]](#footnote-97) بین ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار ارزیابی عملکرد اقتصادی و نسبت­های مالی(در پنج طبقه؛ نسبت­های نقدینگی، نسبت­های فعالیت، نسبت­های اهرمی، نسبت­های سودآوری و نسبت­های بازار) در 70 شرکت برای یک دوره هفت ساله از سال­های 1385-1379پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین معیار ارزش افزوده اقتصادی و نسبت­های نقدینگی، نسبت­های فعالیت، نسبت­های سودآوری و نسبت­های بازار رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین از بین نسبت­های اهرمی شامل اهرم مالی و توان بازپرداخت بهره نیز فقط بین اهرم مالی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری ضعیفی (0.021R2=) وجود دارد.

(دوری و همکاران 1388) در تحقیق خود مبنی بر بررسی تأثیر ثبات در معیارهای مالی گذشته شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران بر عکس العمل سرمایه­گذاران که در یک دوره زمانی هشت ساله از سال­های 1378 تا 1385 انجام گرفت به این نتایج دست یافتندکه عکس العمل بیش از اندازه سرمایه­گذاران به یکنواختی در عملکرد گذشته شرکتها در مورد متغیرهای فروش، سود و بازده سهام است. همچنین افزایش طول دوره تشکیل پرتفوی، باعث تشدید عکس العمل بیش از اندازه می­شود، و این موضوع به این مفهوم است که شرکتها در بلند مدت دارای یک عملکرد یکنواخت هستند.

(کاشانی پور و رساییان 1386)در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بازده سهام و معیارهای ارزیابی عملکرد" به بررسی رابطه بین بازده سالانه سهام و معیارهای ارزیابی عملکرد از قبیل ارزش افزوده اقتصادی، میزان بازده حقوق صاحبان سهام، میزان بازده دارایی­ها، سود هر سهم، جریان­های نقدی عملیاتی، اهرم مالی و درصد تقسیم سود در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی 1382-1378 در مورد 51 شرکت که بصورت رگرسیون ترکیبی[[96]](#footnote-98)و رگرسسیون مقطعی[[97]](#footnote-99)انجام گرفت پرداختند، که نتایج حاصل از آن بیان کننده رابطه معنادار و نسبتا پایدار بین بازده سالانه سهام با معیارهای داخلی ارزیابی عملکرد همچونROE ، ROA و EPS در دوره زمانی تحقیق است

(حسنی.آذر 1385) طی سال­های 1378 تا 1380 تحقیقی انجام دادند که نتایج حاصل از تحقیق نشان می­دهد مدیران سود شرکتها را در سال قبل از عرضه اولیه سهام به عموم و سال عرضه اولیه سهام به عموم مدیریت می­کنند. همچنین نتایج تحقیق نشان می­دهد که بین اقلام تعهدی جاری اختیاری سال اول شرکتهای سهامی عام و عملکرد بلند مدت قیمت سهام در سه سال آتی رابطه مثبت وجود دارد.

(نوروش و همکاران 1384) در تحقیقی خود مبنی بر بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران که با استفاده از متغیرهای مدیریت سود (اندازه شرکت، نسبت بدهی به سرمایه و نرخ موثر مالیات) انجام شد به این نتیجه رسیدند؛ که مدیران شرکتهای بزرگ از اقلام تعهدی، برای به حداقل رساندن مالیات شرکت استفاده می کنند و در صورت بزرگ بودن شرکت و زیاد بودن بدهی شرکت تمایل مدیران به مدیریت سود بیشتر خواهد شد و یافته­های تحقیق مدیریت سود را در شرکتهای بورسی اثبات می­کند.

[سجادی (1377](#_ENREF_41))طی تحقیقی به بررسی تأثیر سود غیر منتظره بر قیمت سهام و نیز میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل پنج­گانه تحقیق نظیر اندازه شرکت،اهرم مالی، عمر، مالکیت دولتی و وابستگی ارزی بر روی سود غیرمنتظره در رابطه با 70 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای 1373 الی 1375 پرداخت. در این تحقیق مسأله اصلی این است که آیا سود غیرمنتظره در بورس اوراق بهادار تهران منجر به تغییر قیمت سهام (بازده غیرعادی )می­شود؟ و اینکه آیا بین سود غیرمنتظره و ویژگی­های شرکت­ها از قبیل اندازه،اهرم مالی،عمر،مالکیت دولتی و وابستگی ارزی رابطه­ای وجود دارد؟نتایج حاصل از آزمون فرضیه­های این تحقیق نشان می­دهد که در مرحله اول مبانی زیربنایی نظریه بازار کارآ حتی در شکل ضعیف آن هم در ایران کاربرد ندارد. و در مرحله دوم نتایج به دست آمده حاکی از آنست که بین متغیرهای مستقل تحقیق و قیمت سهام رابطه آماری معنی­داری وجود ندارد.

# ۲-۱۹. تحقیقات انجام شده خارجی

 بِن نصر[[98]](#footnote-100) و همکاران(۲۰۱۵)طی تحقیقی اثر کیفیت سود(اقلام تعهدی) را بر ارزش حقوق صاحبان سهام را در مورد بررسی قرار دادند. آنها از یک نمونه ۱۶۱ شرکت(متشکل از شرکتهای صنعتی و توسعه یافته از سی و دو کشور) در طی بازه زمانی ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۶ این نتایج دست یافتند که بین اقلام تعهدی اختیاری و ارزش حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

اُلوچ و همکاران(۲۰۱۵) طی تحقیقی با عنوان " تاثیر کیفیت اقلام تعهدی بر روی بازده بورس اوراق بهادار" به بررسی ارزیابی ارزش سهام(قیمت) بر روی کیفیت اقلام تعهدی میان شرکتهای کره ای در بازه زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ پرداختند. یافته های حاصل از این پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی پَنل نشان می­دهد که کیفیت اقلام تعهدی اختیاری شرکتها به طور معناداری در سطوح مختلف متاثر از ارزش سهام می باشد.

پاپانَستپولِس[[99]](#footnote-101) (۲۰۱۴) طی تحقیقی با عنوان" اقلام تعهدی حسابداری بازده سهام:شواهدی از بوس سهام اروپاه" به بررسی در یازده کشور از شانزده کشور اروپایی پرداختند آنها پس از بررسی به این نتایج دست یافتندکه بازده غیرعادی از اقلام تعهدی اختیاری سنتی بدست می­آید و نیز اقلام تعهدی بر بازده سهام متاثر است.

اُمری[[100]](#footnote-102) و هماران(۲۰۱۳) طی تحقیقی به بررسی سیستم ارزشیابی(به فعالیت مدیران) بر روی مدیریت سود در کشور فرانسه پرداختند. آنها طی یک بازه زمانی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ با بررسی شرکتا به این نتایج دست یافتند که در حقیقت مدیریت سود به نظر می رسد به طور معناداری با اجتناب عدم قعیت رابطه مثبتی دارد و نیز به به طور معناداری دارای رابطه منفی با فاصله قدرتی و خصوصی سازی است.

نیکبخت [[101]](#footnote-103)و همکاران(۲۰۱۴) طی پژوهشی ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و ریسک نامتقارن را مورد بررسی قرار دادند نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده ارتباط معنادار و مستقیم بین توانایی اقلام تعهدی ، ارتباط اطلاعاتی اقلام تعهدی، اندازه شرکتها و بازده سهام شرکتها با ریسک نامتقارن بر اساس مدل فاما و فرنچ و مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای[[102]](#footnote-104)است . همچنین نتایج بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و نوسان جریانات نقدی با ریسک نامقتارن بر اساس مدل فاما و فرنچ و مدل مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای است.

در تحقیقی که توسط [دِمیرکِن[[103]](#footnote-105) و همکاران(2012](#_ENREF_8)) در رابطه با بررسی ارتباط کیفیت اقلام تعهدی در شرکتهای تک بخشی و چند بخشی[[104]](#footnote-106) انجام شد، نتایج نشان دهنده این است؛ که کیفت اقلام تعهدی در شرکت­های چند بخشی نسبت به شرکت­های تک بخشی کمتر است. و در بررسی ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه تامین مالی نتایج نشان داد، که هزینه های تامین مالی شرکتهای چند بخشی در مقایسه با شرکتهای تک بخشی بیشتر است. و همچنین نتایج تحقیق پیشنهاد می کند که مسئله نمایندگی شرکتهای چند بخشی در مقایسه با شرکتهای تک بخشی منجر به کیفیت ضعیف اقلام تعهدی می­شود، و نیز ریسک تامین مالی با هزینه تنزیل بالاتری قیمت گذاری می شود.

اٌگنِوا[[105]](#footnote-107) ( [2012](#_ENREF_21))در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی با بازده سهام پرداخت در طی یک دوره 37 ساله از سال 2006 -1970 پرداخت به این نحو بازده سهام شرکتهایی که دارای کیفیت اقلام تعهدی ضعیف[[106]](#footnote-108) رابا شرکتهایی که دارای کیفیت اقلام تعهدی بالایی بودند، را مورد مقایسه قرار داد. نتایج حاصل از تحقیق وی نشان می دهد شرکتهای دارای کیفیت اقلام تعهدی بالایی هستند به طور میانگین در طول دوره مورد بررسی با شک های جریان نقدی بیشتری مواجه هستند و در مقابل شرکتهای دارای کیفیت اقلام تعهدی پایین به طور میانگین با شک های جریان نقدی کمتری مواجه هستند از این رو شرکتهای دارای شک های جریان نقدی بالا تعدیل کمتری را در بازده سهام آتی خود نسبت به شرکتهای مقابل خود دارند. که می توان نتیجه گرفت که بین کیفیت اقلام تعهدی با بازده آتی سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

کنگ و همکاران[[107]](#footnote-109)(۲۰۱۰) طی پژوهشی رابطه بین جمع اقلام تعهدی را با بازده آتی بازار مورد بررسی قرار دادند نتایج پژوهش آنها حاکی از این است که اقلام تعهدی اختیاری رابطه مثبت با بازده آتی بازار دارند، لیکن قدرت پیش بینی کنندگی مجموع اقلام تعهدی با عواملی چون انتخاب دوره زمانی، معیارهای بازده، روش برآورد، شرایط تجاری، شاخص های صرف ریسک و مدل مورد استفاده برای تفکیک اقلام تعهدی رابطه قوی دارد

طی تحقیقی [هیرش لیفِر[[108]](#footnote-110) و همکاران(2009](#_ENREF_14)) به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی و جریانهای نقدی با اندازه بازده سهام در طی سالهای 1965 تا 2005 پرداختند. نتایج از یافته های آنها نشان می دهد که بین اندازه اقلام تعهدی با بازده سهام ارتباط مثبت معنی داری وجود دارد ضمن انیکه بین اندازه جریان های نقدی با بازده سهام ارتباط منفی وجود دارد.

دیمیترپولس و استریو (۲۰۰۹)[[109]](#footnote-111)طی تحقیقی با عنوان" ارتباط صورت­های مالی با ارزش و اثر آن­ها بر روی قیمت سهام" به بررسی ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن و برای یک دوره زمانی ۱۰ ساله به طور همزمان اثر اقلام تعهدی ، سود هر سهم و شش نسبت خاص به عنوان شاخصی از دستکاری در صورت­های مالی را بر قیمت سهام بررسی نمودند.نتایج پژوهش آن­ها نشان داد که چهار نسبت از شش نسبت مورد بررسی و هر دو بخش از اقلام تعهدی (اختیاری و غیراختیاری) اهمیت فزاینده­ای در توصیف تغییر قیمت سهام خواهند داشت،اما اهمیت اقلام تعهدی غیراختیاری در مقایسه با اقلام تعهدی اختیاری بیشتر است. همچنین یافته­های پژوهش آن­ها حاکی از این مطلب است که متغیر حسابداری سودآوری مربوط­ترین متغیر است و هرچه مدیران در دارایی­های جاری کمتر سرمایه­گذاری کنند،اثر بهتر بر روی قیمت سهام آن­ها خواهد داشت.

چان[[110]](#footnote-112) و همکاران(۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «کیفیت سود و بازده آتی سهام» به بررسی رابطه­ی اقلام تعهدی با بازده آتی سهام پرداختند.بررسی آن­ها نشان داد، شرکت­های با اقلام تعهدی زیاد در دوره­ی بعد از گزارشگری اطلاعات مالی، بازده سهام آن­ها کاهش می­یابد.این موضوع به وسیله­ی تفکیک اجزای اقلام تعهدی و دسته­بندی بر اساس اقلام اختیاری و غیراختیاری انجام شده و نتایج مشابهی به دست آمد.

فرانسیس[[111]](#footnote-113)(۲۰۰۵) در پژوهشی طی سال­های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴ به این نتایج رسیدند که سرمایه­گذارن اوراق بهادار را با توجه به اطلاعاتی که از کیفیت اقلام تعهدی دارن،قیمت­گذاری می­کنند.همچنین در این پژوهش نشان داده می­شود که شرکت­هایی که از کیفیت اقلام تعهدی ضعیف­تری برخوردارند،نسبت هزینه بهره به بدهی بهره­دار در آن­ها بالاتر و نسبت بدهی پایین­تری دارند. همچنین نتایج این پژوهش بیانگر این مطلب است که اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری در توصیف تغییرات سود اهمیت دارند، ولی اثر اقلام تعهدی غیراختیاری نسبت به اقلام تعهدی اختیاری بیشتر است.

طبق تحقیقی که توسط([اوهِرا و لازدَوٌسکی 2000](#_ENREF_20) ) در رابطه با یافتن معیارهای مالی که بتواند بازده بالاتری را نسبت به شاخص S&P500 داشته باشد،انجام شد؛ به بررسی ارتباط بین عملکرد قیمت سهام با معیارهای مالی سود خالص هر سهم، جریان های نقدی هر سهم و سود تقسیمی هر سهم در طی یک دوره 17 ساله از سال 1981 تا سال 1997 پرداختند. که نتایج نشان دهنده این است که به ترتیب، بین افزایش یکنواخت سود هر سهم و جریان های نقدی هر سهم با تغییرات قیمت سهام شرکتها رابطه مثبت معنا داری وجود دارد؛ اما بین افزایش یکنواخت سود تقسیمی هر سهم و تغییرات قیمت سهام رابطه معنادار قابل توجهی نسبت به دو معیار سود هر سهم و جریانهای نقدی هر سهم وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد ، زمانی که شرکتها بتواننددر بلند مدت سود تقسیمی هرسهم، جریان نقدی هر سهم، سود خالص هر سهم را افزایش بدهند[[112]](#footnote-114) این موضوع می تواند، پیش بینی از افزایش جریانهای نقدی، درآمد و نهایتا سود تقسیمی باشد([91](#_ENREF_20)).

نتایج حاصل از تحقیق( یانگ2000[[113]](#footnote-115)) از شرکتهای انگلیسی در رابطه با بررسی ارتباط بین عملکرد شرکتها و نسبت­های مالی نشان می­دهد، زمانی که شرکتها گزارشهای پیچیده­ای را منتشر می­کنند تجزیه و تحلیل تک متغیری در بعضی مواقع قادر به ارزیابی عملکرد شرکتها نیست و این موضوع باعث ایجاد یک رابطه غیرخطی[[114]](#footnote-116) بین عملکرد شرکتها و نسبت­های مالی می­شود. از این رو استفاده از تکنیک­های غیرخطی مانند شبکه­های عصبی در ارزیابی عملکرد شرکتها بر مبنای نسبت­های مالی نتایج بهتری را پیش بینی می­نماید. البته باید در نظر گرفت زمانی که از 2 متغیر استفاده می­شود این موضوع منجر به ایجاد یک رابطه خطی بین عملکرد شرکتها و نسبت­های مالی می­شود(257).

نتایج حاصل از بررسی پینسل[[115]](#footnote-117) و همکاران(۲۰۰۰)در رابطه با استفاده از مدل­های کشف مدیریت سود به صورت مقطعی[[116]](#footnote-118) که در مورد مدل اصلی جونز۱۹۹۱ و مدل تعدیل شده جونز ۱۹۹۵ و مدل حاشیه[[117]](#footnote-119) انجام شد حاکی از این است که هر سه مدل از توامندی خیلی بالایی در رابطه با کشف مدیریت سود برخوردار هستند، و زمانی که شرکتها به صورت تصافی طی سال­های نمونه انتخاب می­شوند از مشخص کنندگی بسیار خوبی برخوردار هستند[[118]](#footnote-120).

میچلسون[[119]](#footnote-121)و همکاران (۱۹۹۹) در آزمون ارتباط بین هموارسازی سود و عملکرد بازار به این نتیجه رسیدند که شرکت­هایی که سودشان را هموار می­کنند.میانگین بازده غیرعادی سالانه بالاتری نسبت به شرکت­هایی که این کار را انجام نمی­دهند داشته و شرکت­های هموارساز بتای پایین­تر و ارزش بالاتری دارند.

سابرمانیام[[120]](#footnote-122)(۱۹۹۶)در پژوهشی با عنوان "قیمت گذاری اقلام تعهدی غیراختیاری" نشان داد بازار برای اقلام تعهدی اختیاری بیشتر قائل می­شود،زیرا اجزای اختیاری سود،توانایی سود در انعکاس قیمت پایه را افزایش می­دهد،وی علاوه بر تأیید وجود محتوای فزاینده اطلاعاتی در جریان­های نقدی و تعهدی نسبت به یکدیگر شواهدی ارائه داد که مبنای آن در بازار سرمایه امریکا این مسأله که کل اقلام تعهدی اختیاری در مقابل وجوه نقد حاصل از عملیات دارای محتوای افزاینده اطلاعاتی هستند، تأیید می­شد همچنین نتیجه پژوهش وی نشان می­دهد که اقلام تعهدی غیراختیاری دارای توانایی پیش­بینی سودآوری آتی و تغییرات سود تقسیمی هستند و اقلام تعهدی می­تواند به عنوان متغیر مهمی در ارزیابی رابطه سود و بازده در نظر گرفته شود.

# منابع و مآخذ فارسی

1. آذربایجانی کریم، افسانه سروش.یار، و سما یاران کوپائی. ۱۳۹۰. ***جستجوی بهترین معیار عملکرد مالی****، مجله حسابرس*:۱-۷.
2. آذز عادل و منصور مؤمنی. ۱۳۹۰. ،**کلیات، آمار و کاربرد آن در مدیریت**, ۲۹-۳. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت).
3. اعتمادی حسین و مهران سلوری. ۱۳۹۱. ، ***بررسی اثر هموارسازی سود بر جریانات نقدی و سود دوره آتی ؛با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت***.،*پژوهش های تجربی حسابداری مالی* ۳:۲۹-۴۵.
4. اعتمادی حسین، منصور مومنی و حسن فرج زاده دهکردی. ۱۳۹۱. ، ***مدیریت سود ،چگونه کیفیت سود شرکت ها را تحت تاثیر قرار می دهد؟* شماره ۲.**، *مجله پزوهش های حسابداری مالی* شماره ۲:۱۲۲-۱۰۱.
5. انصاری عبدالمهدی و حسین خواجوی. ۱۳۹۰. ، ***بررسی ارتباط هموار سازی سود با قیمت بازار سهم و نسبتهای مالی***.،*مجله پژوهش های حسابداری مالی* ۲:۵۰-۳۳.
6. بزرگ اصل موسی. هزار و سیصد و هشتاد و چهار. ، ***ترازنامه و یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی****، حسابداری میانه(جلد اول:صورتهای مالی)*, ۸۹-۴۱. سازمان حسابرسی.
7. بورس اوراق بهادار.تهران. ۱۳۸۹.، ***گزارش آسیب شناسی سیاست تقسیم سود(DPS).****، معاونت مطالعات اقتصادی و توسعه بازار (بورس اوراق بهادار تهران)*
8. جهانخانی علی و اصغر سجادی. ۱۳۷۳. ، ***کاربرد مفهوم ارزش افزوده اقتصادی در تصمیمات مالی***.، *فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات مالی*:۶۸-۸۶.
9. جهانخانی علی و احمد ظریف فرد. ۱۳۷۴. ،***آیا مدیران و سهامداران از معیار مناسب برای اندازه گیری ارزش******شرکت استفاده می کننند****؟*.، *فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات مالی*:۴۱-۶۶.
10. جوان محمدعلی، مهدی ناظمی اردکانی و ابراهیم موسوی. ۱۳۸۸. ، ***بررسی تاثیر مدیریت سود، اندازه شرکت و نسبت های سودآوری بر ساختار سرمایه***.، *فصلنامه مطالعات حسابداری* ۲۵:۱۰۳-۸۷.
11. چالاکی پری و مرتضی یوسفی. ۱۳۹۱. ، ***پیش بینی مدیریت سود با استفاده از درخت تصمیم گیری***.،*فصلنامه مطالعات حسابداري و حسابرسي* ۱.
12. حسنی­آذر الهام. ۱۳۸۵. ، ***بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران***.، پایان نامه کارشناسی ارشد, دانشکده مدیریت, دانشگاه تهران.
13. خدامی­پور احمد، رحمت­اله هوشمند زعفرانیه و مصطفی دلدار. ۱۳۹۲ ، ***بررسی تاثیر نرخ موثر مالیاتی******بر سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران****، پژوهشنامه مالیات* شماره ۱۷: ۵۵-۳۱.
14. خلیفه سلطانی احمد، مهناز ملانظری و سجاد دل­پاک. ۱۳۸۹. ،***ارتباط خطای پیش بینی سود مدیریت و اقلام تعهدی***.،*مجله دانش حسابداری* ۳:۵۹-۷۶.
15. خوش طینت محسن و عبدالله خانی. ،***مدیریت سود و پاداش مدیران: مطالعه ای جهت شفاف سازی اطلاعات مالی*** ، *فصلنامه مطالعات حسابداری* ۳:۱۵۳-۱۲۷.
16. دستگیر محسن و مجید رستگار. ۱۳۹۰ ،***بررسی رابطه بین کیفیت سود پایداری سود اندازه اقلام تعهدی و******بازده سهام با کیفیت اقلام تعهدی***.، *مجله پژوهش های حسابداری مالی* شماره ۷: ۲۰-۱.
17. دستگیر محسن و احسان مهرجو. ۱۳۹۱. ، ***بررسی اثر تغییرات اجزاء اقلام تعهدی عملیاتی بر سودآوری شرکت******ها***.، *فصلنامه تحقيقات حسابداري و حسابرسي*:۲۴-۱.
18. دوری داریوش، حبیب زارع­احمد­آبادی و احمد فلاح­زاده­ ابرقویی. ۱۳۸۸. ،***بررسی تاثیر ثبات در معیارهای مالی گذشته شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادارتهران بر عکس العمل بیش از اندازه سرمایه گذاران به این معیارها****.*، *مجله پژوهش های حسابداری مالی*:۱۰۳-۱۱۴.
19. سازمان حسابرسی. *مفاهیم نظری گزارشگری مالی*(پیوست استاندارادهای حسابداری). سازمان حسابرسی.
20. سجادی حسین. ۱۳۷۷. ،***عوامل مرتبط با سود غیر منتظره و روابط آن با قیمت سهام*** ، *فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی* شماره ۲۴و۲۵: ۶۰-۳۴.
21. طالب­نیا قدرت­اله و یعقوب حسین.پور. ۱۳۸۹. ،***بررسی مقایسه ای کاهش خطای پیش بینی EPS و DPS در ارتباط با بازده سهام شرکتها***، *مجله مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی مالی* ۲:۴۳-۲۲.
22. طرف­دار حسین، حسن دهقان، بهنام رجایی، علیرضا دوزنده،. ۱۳۹۲. ،***رگرسیون لجستیک****.*، *دانشکده فنی مهندسی دانشگاه شیراز*:۱-۳۹.
23. عرفی حمیدرضا. ۱۳۸۹. ،***گزارش حسابرسان مستقل و بازرس قانونی***، *حسابرسی*, ۲۳۵-۲۳۶. موسسه آموزش عالی آزاد پارسه.
24. علوی­طبری سید حسین، ویدا مجتهدزاده، غلامرضا سلیمانی­امیری و یلدا عاملی. ۱۳۸۸ ،***رابطه کیفیت سود و******سود تقسیمی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*** ،شماره ۵۶ ۱۰۳-۹۶.
25. فروغی داریوش و زهرا اولاد­ حسین. ۱۳۸۹ ،***مروری بر ادبیات کیفیت ویژگی های شرکت و سیاست تقسیم******سود*** ، *فصلنامه حسابداری و مدیریت مالی* شماره ۳: ۶۳-۴۶.
26. قاسم ظهوري،. ۱۳۷۸. *كاربرد روشهاي تحقيق علوم اجتماعي در مديريت*. موسسه انتشاراتي مير.
27. قدیری ابولفضل، اسماعیل عنایتی و افشین حسن­زاده. ۱۳۸۶. ،***بررسی کارایی شاخص RI در ارزیابی شرکت******های عضو بورس در مقایسه با نسبت های ROI,ROE,P/B,P/E****.*،*مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج* ۳:۴۹-۶۸.
28. کاشانی.پور محمد و امیر رساییان. ۱۳۸۶، ***بررسی رابطه بازده سهام و معیارهای ارزیابی عملکرد****.*،*پژوهشنامه مدیریت* ۲۵:۱۲۱-۱۳۸.
29. گازار محمد آیتی.،***سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم***.،
30. مجتهدزاده ویدا و شادی حسن­زداه. ۱۳۸۷. ،***رابطه ارزش افزوده بازار با معیارهای ارزیابی عملکرد مبتنی بر مدل های اقتصادی و حسابداری***.،*فصلنامه بورس اوراق بهادار* ۲:۱۷۸-۱۴۷.
31. مجتهدزاده ویدا و اعظم ولی­زاده­ لاریجانی. ۱۳۸۹. ،***رابطه مدیریت سود وبازده آتی داراییها و جریانهای نقدی عملیاتی***، *تحقیقات حسابداری*.
32. مرادزاده فرد مهدی، محمدصادق زارعزاده­ مهریزی و رضا تاکر. ۱۳۹۱. ، ***تاثیر پاداش هیأت مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران****.*، *فصلنامه بورس اوراق بهادر* ۱۸ (M۴۱):۱۳۷-۱۵۲.
33. مهرانی ساسان و امیر رسائیان. ۱۳۸۸. ،***رابطه ارزش افزوده اقتصادی و نسبت های مالی شرکتهای تولیدی بورس اوراق بهادار تهران***،*فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*:۹۳-۱۱۴.
34. فدایی نژاد محمد اسماعیل. ۱۳۸۳ ،***بررسی اثر نسبت B/M و اندازه شرکت با میزان سودآوری شرکت ها*** ،*مجله تحقیقات مالی* شمراه ۱۸: ۱۳۷-۱۲۳.
35. نوروش ایرج، سحر سپاسی و محمدرضا نیک بخت. ۱۳۸۴. ،***بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده******در بورس تهران****،مجله علوم اجتمائی و انسانی دانشگاه شیراز(ویژه نامه حسابداری)* ۲:۱۶۵-۱۷۷.
36. نیکومرام هاشم، ایرج نوروش و علیرضا مهرآذین. ۱۳۸۸. ،***ارزیابی مدل های مبتنی بر اقلام تعهدی برای******کشف مدیریت سود*** ، *مجله پژوهش های مدیریت*.
37. هاشمی سیدعباس و فاطمه بهزادفر. ۱۳۹۰.،***ارزیابی رابطه محتوای اجزای اقلام تعهدی و نسبت های مالی منتخب با قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران****،مجله پژوهش های حسابداری مالی* ۷:۷۶-۵۵.
38. ابراهیم بایطی هاشم. ۱۳۹۲. ،***بررسی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری با وجوه نقد نگهداری شده و بازده سهام،*** کارشناسی ارشد, دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه فردوسی مشهد.
39. تیموری مریم. ۱۳۹۳. ،**بررسی ارتباط بین رشد شرکت و ارزش گذاری اقلام تعهدی اختیاری.** کارشناسی ارشد, دانشکده حسابداری و مدیریت, موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی رجاء قزوین
40. خداشناس محمد حسن. ۱۳۹۲. ***تأثیر هموارسازی سود بر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران***، کارشناسی ارشد, دانشکده مدیریت و اقتصاد, دانشگاه قم
41. رمضانپور اسماعيل، رضا فلاح،محمدرضا خوش نصيب فلاح. ۱۳۹۲. "***نقدشوندگي سهام،ارزشمندي قيمت و مديريت اقلام تعهدي اختياري.***، دومين همايش ملي بررسي راهكارهاي ارتقاء مباحث مديريت، حسابداري و مهندسي صنايع در سازمانها.
42. سرایی سمیرا. ۱۳۹۰. ***تاثیر نسبت های مالی هشداردهنده و اقلام تعهدی بر قیمت سهام.،***MA دانشکده حسابداری و مدیریت, موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی رجاء قزوین.
43. سرودلیر عبدالحمید. ۱۳۹۰. ***بررسی اثر کیفیت اقلام تعهدی بر روی بازده سهام***. کارشناسی ارشد, پژوهشکده علوم اجتماعی, دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - قزوین
44. شایسته شجاعی پرویز. ۱۳۹۱. ***تجزیه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و بررسی ارتباط آن با اقلام تعهدی غیر عادی،*** کارشناسی ارشد, دانشکده مدیریت و حسابداری, دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
45. صالحي مهدي، بهزاد قرباني. ۱۳۹۰. ***بررسي رابطه بين محافظه کاري سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري طبق روش باسو.*** *مجله بين المللي بازرگاني و توسعه* ۱:۲۹-۴۰.
46. انصاري عبدالمهدي، عليرضا خورشيدي و علي شيرزاد. ۱۳۹۳. ***بررسي تاثير مديريت سود مبتني بر اقلام تعهدي و واقعي سود بر نقدشوندگي سهام و ارزش شرکت***. *دانش حسابداري و حسابرسي مديريت*:۴۱-۵۳.
47. فخاری حسین,، مهدی نورنژاد ونوش ۱۳۹۰. ***کیفیت اقلام تعهدی و همزمانی قیمت سهام.*** کارشناسی ارشد, دانشکده علوم انسانی دانشگاه مازندران.
48. مجتهدزاده ویدا و یلدا عاملی. ۱۳۸۸. ***رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران***. کارشناسی ارشد, دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی, دانشگاه الزهراء
49. ودیعی محمدحسین و فرهاد عظیمی­فر. ۱۳۹۱. ،ا***رزش¬گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و ارتباط آن با اقلام تعهدی اختیاری،*** *مجله¬ی پیشرفت¬های حسابداری دانشگاه شیراز* ۱۷۹-۲۰۳
50. هاشمی سیدعباس و فاطمه بهزادفر. ۱۳۹۰. "***ارزیابی رابطه محتوای اجزای اقلام تعهدی و نسبت های مالی منتخب با قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران***." *مجله پژوهش های حسابداری مالی* ۷:۷۶-۵۵.

## منابع و مآخذ انگلیسی

1. A.Brealey, Richard, and Stewart C. Meyers. 2003. ***Financial analysis and planning.*** In Principals of corporate finance***,*** 816-838. McGraw-Hill.
2. A.Brealey, Richard, Stewart C. Meyers, and Alen J. Marcus. 2001. ***Financial Statement Analysis***. In fundumental of corporate finance, 133-155. McGraw-Hill
3. Ben-Nasr, Hamdi, & Al-Dakheel, Abdullah Mohammed. (2015). ***The Impact of Earnings Quality on the Cost of Equity: Evidence from Privatized*** .International Journal of Financial Research *6*, 68-78. doi: 10.5430/ijfr.v6n1p68
4. Nikbakht, Mahmood, & Ghasemi, Mohammad. (2014). ***Study of the relationship between accrual quality and Unsystematic risk of stock in the accepted Companies in Tehran stock exchange***.Journal of Novel Applied Sciences, 1531-1536.
5. oluoch, Josephat, & Namusonge, Gregory. (2015). ***effect of accruals quality on equity security market returns: evidence from the nairobi securities exchange***. European Scientific Journal*, 11*, 132-151.
6. Papanastasopoulos, Georgios A. (2014). ***Accounting Accruals and Stock Returns: Evidence from European Equity Markets***. European Accounting Review*, 23*(4), 729-768. doi: 10.1080/09638180.2014.882264
7. Riahi, R., & Omri, A. (2013). ***Cultural Relativism in Earnings Management***. Int. J. Manag. Bus. Res, 281-295
8. Berk, Jonathan, Peter DeMarzo, and Jarrad Harford. 2012. "***Introduction to financial statement analysis***." In Fundamentals of corporate ficance, 23-58. Pearson Education.
9. Bodie, Zvi, Alex Kane, and Alan J. Marcus. 2011. "**Investments**." In, 627-655. McGraw-Hill.
10. Cohen, Daniel A., and Paul Zarowin. 2010. "***Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings***." *Journal of Accounting and Economics* 50 (1):2-19. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.01.002>.
11. Dechow, Patricia M., and Richard G. Sloan. 1995. "***Detecting Earnings Management.***" *Accounting Review* 70 (2):193-225.
12. Delen, Dursun, Cemil Kuzey, and Ali Uyar. 2013. "***Measuring firm performance using financial ratios: A decision tree approach***." *Expert Systems with Applications* 40 (10):3970-3983. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.eswa.2013.01.012>.
13. Demirkan, Sebahattin, Suresh Radhakrishnan, and Oktay Urcan. 2012. "***Discretionary Accruals Quality, Cost of Capital, and Diversification***." *Journal of Accounting, Auditing & Finance* 27 (4):496-526. doi: 10.1177/0148558X11409162.
14. Ehrhardt, Michael C., and Eugene F. Brigham. 2011. "***Analysis of financial statements***." In Financial management: Theory and practice, 87-110. South-Western Cengage Learning.
15. Healy, Paul M. 1985. "***The effect of bonus schemes on accounting decisions***." Journal of Accounting and Economics 7 (1–3):85-107. doi: [http://dx.doi.org/10.1016/0165-4101(85)90029-1](http://dx.doi.org/10.1016/0165-4101%2885%2990029-1).
16. Healy, Paul M., and James M. Wahlen. 1999. "***A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting***." *Accounting Horizons* 13 (4):365-383.
17. Hirshleifer, David, Kewei Hou, and Siew Hong Teoh. 2009. "***Accruals, cash flows, and aggregate stock returns***." Journal of Financial Economics 91 (3):389-406. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jfineco.2007.11.009>.
18. Kieso, Donald E., Jerry J. Weygandt, and Terry D. Warfield. 2013. "***Financial Accounting and Accounting Standards***." In Intermediate Accounting. Wiley.
19. Lasher, William R. 2008. "***Cash flows and financial analysis***." In Practical financial management, 63-97. South-Western Cengage Learning.
20. Lee, Cheng-Few, and AliceC Lee. 2013. ***Encyclopedia of Finance***. Edited by Cheng-Few Lee and Alice C. Lee: Springer US.
21. Ming-Chia, Chen, and Tsai Yuan-Cheng. 2010. "***Earnings management types and motivation: A study in Taiwan.***" Social Behavior & Personality: An International Journal 38 (7):955-962. doi: 10.2224/sbp.2010.38.7.955.
22. Moehrle, Stephen R., and Jennifer A. Reynolds-Moehrle. 2005. "***Earnings management in the context of pension accounting: A case***." Global perspectives on accounting education 2:11-18.
23. O'Hara, H. Thomas, and Cathy Lazdowski. 2000. "***Financial indicators of stock price performance.***" American Business Review 18 (1):90.
24. Ogneva, Maria. 2012. "***Accrual Quality, Realized Returns, and Expected Returns: The Importance of Controlling for Cash Flow Shocks***." Accounting Review 87 (4):1415-1444. doi: 10.2308/accr-10276.
25. Peasnell, K. V., P. F. Pope, and S. Young. 2000. "***Detecting earnings management using cross-sectional abnormal accruals models***." Accounting and Business Research 30 (4):313-326. doi: 10.1080/00014788.2000.9728949.
26. Ronen, Joshua, and Varda Yaari. 2008. ***Earnings Management Emerging Insights in Theory, Practice, and Research***: Springer Science+Business Media, LLC.
27. Ross, Stephen A., Randolph W. Westerfield, and Bradford D. Jordan. 2003. "w***orking with financial statement***." In Fundamentals Of Corporate Finance, 83-120. McGraw-Hill.
28. Roychowdhury, Sugata. 2006. "***Earnings management through real activities manipulation.***" Journal of Accounting and Economics 42 (3):335-370. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jacceco.2006.01.002>.
29. Scott, William R. 2012. "***Earnings management****."* In Financial Accounting Theory, 422-448. Pearson education.
30. Dimitropoulos, P, and D. Asteriou. 2009. "***The Value Relevance of FinancialStatements and Their Impact on StockPrices***, Evidence from Greece ManagerialAuditing Journal 24:248-265.
31. Francis, J, R LaFond, P Olsson, and K. Schipper. 2005. " ***The market pricing ofaccruals quality***." Journal of Accounting and Economics 39:295-327.
32. KANG, QIANG, QIAO LIU, and RONG QI. 2010. "***Predicting Stock Market Returns with Aggregate Discretionary***." *Journal of Accounting Research*. doi: 10.1111/j.1475-679X.2010.00379.x.
33. Konan Chan, Louis K. C. Chan, Narasimhan Jegadeesh, and Josef Lakonishok. 2006. "***Earnings Quality and Stock Returns.***" *The Journal of Business* 79 (3):1041-1082. doi: 10.1086/500669.
34. Michelson, S. E, J. W Jordan, and C. W Wootton. 1999. "A ***marketbased analysis of income smoothing.***" Journal of Business Finance &Accounting 22: 1179-1193.
35. Subramanyam, K. R. 1996. "***The pricing of discretionary accruals***." Journal of Accounting and Economics 22:249-281.
36. Yang, Zhengrong. 2000. "***Stability Analysis of Financial Ratios***." In Intelligent Data Engineering and Automated Learning — IDEAL 2000. Data Mining, Financial Engineering, and Intelligent Agents, edited by KwongSak Leung, Lai-Wan Chan and Helen Meng, 256-261. Springer Berlin Heidelberg
1. Securities and Exchange Commission (SEC). [↑](#footnote-ref-1)
2. Brealey and Meyers. [↑](#footnote-ref-2)
3. مانند سود خالص شرکت و یا مجموع دارایی­ها و بدهی­ها ، جریان­های نقدی عملیاتی و... [↑](#footnote-ref-3)
4. Indicators of financial performance evaluation. [↑](#footnote-ref-4)
5. مانند سود خالص عملیاتی بعد از مالیات، سود بعد از مالیات، سود قبل از بهره و مالیات ،جریان­های نقدی عملیاتی([مجتهدزاده و حسن زداه 1387](#_ENREF_47))، [↑](#footnote-ref-5)
6. Net income. [↑](#footnote-ref-6)
7. Firm’s equity holders. [↑](#footnote-ref-7)
8. Liquidity ratios. [↑](#footnote-ref-8)
9. Delen. [↑](#footnote-ref-9)
10. Asset management (another terms are "Asset utilization", "Asset efficiency" and "Efficiency ratios"). [↑](#footnote-ref-10)
11. Efficiency. [↑](#footnote-ref-11)
12. Debt Management (Another terms are "financial leverage ratios *or just* Leverage Ratios", " Capital Structure ratio", " Debt utilization", "Long-term solvency measures" ). [↑](#footnote-ref-12)
13. Profitability Ratios. [↑](#footnote-ref-13)
14. Ehrhardt and Brigham. [↑](#footnote-ref-14)
15. Market Price Ratios. [↑](#footnote-ref-15)
16. Cost of Capital. [↑](#footnote-ref-16)
17. Return on Sales (ROS)) → (Another term is "Profit Margin"). [↑](#footnote-ref-17)
18. Bodie. [↑](#footnote-ref-18)
19. Return on Assets (ROA)) → (Another tTerm iIs "Return on Investment (ROI)"). [↑](#footnote-ref-19)
20. Ross. [↑](#footnote-ref-20)
21. [↑](#footnote-ref-21)
22. به دلیل اینکه سود خالص در طول سال اندازه­گیری می­شود، نسبت بازده دارایی­ها می­تواند بر مبنای میانگین ارزش دفتری از انتها و ابتدای سال جاری محاسبه شود([بِرک و همکاران 2012: 37](#_ENREF_3)). [↑](#footnote-ref-22)
23. ارزش ویژه شرکت در ابتدای دوره مالی محاسبه می­شود زیرا سود وزیان دوره نباید در محاسبه ارزش ویژه یعنی سرمایه به کاررفته در تحصیل آن موثر باشد([قدیری و همکاران 1386: 55](#_ENREF_45)). [↑](#footnote-ref-23)
24. Earnings per share (EPS) → (Another term is "Earnings Multiple"). [↑](#footnote-ref-24)
25. Kieso. [↑](#footnote-ref-25)
26. O'Hara & Lazdowski. [↑](#footnote-ref-26)
27. Convertible Bonds. [↑](#footnote-ref-27)
28. Stock Options. [↑](#footnote-ref-28)
29. Diluted EPS. [↑](#footnote-ref-29)
30. Dividends per share (DPS). [↑](#footnote-ref-30)
31. از جمله ذخیره قانونی. [↑](#footnote-ref-31)
32. از جمله اندوخته احتیاطی، اندوخته طرح وتوسعه [↑](#footnote-ref-32)
33. Pay-out Ratio (POR) and another term is “Dividend payout ratio". [↑](#footnote-ref-33)
34. در ادامه این مبحث به طور کامل تشریح داده خواهد شد. [↑](#footnote-ref-34)
35. Intrinsic price. [↑](#footnote-ref-35)
36. Fundamental price. [↑](#footnote-ref-36)
37. Price-earnings ratio (P/E). [↑](#footnote-ref-37)
38. Market To Book Value Ratio(M/B)→( It can be used as approximated measure of Tobin Q([لی و لی 2013: 177](#_ENREF_17))) [↑](#footnote-ref-38)
39. مبنی بر ارزش افزوده حاصل شده توسط مدیریت""Value added by management است. [↑](#footnote-ref-39)
40. value stocks [↑](#footnote-ref-40)
41. Growth stocks [↑](#footnote-ref-41)
42. Rate-of-Return.(Another Term Is "Earnings to Price (E/P)"). [↑](#footnote-ref-43)
43. Regularity Dividend Policy [↑](#footnote-ref-44)
44. Constant Payout Ratio [↑](#footnote-ref-45)
45. Constant Dividend Per Share , Stability Of dividend [↑](#footnote-ref-46)
46. در این روش حتی اگر شرکت زیان داشته باشد مبلغ ثابتی بین سهامداران توزیع خواهد شد. [↑](#footnote-ref-47)
47. Regular Dividend Plus Extras [↑](#footnote-ref-48)
48. Time Dividend Earned Ratio [↑](#footnote-ref-49)
49. Erratic Dividend Policy [↑](#footnote-ref-50)
50. Residual Dividend Policy [↑](#footnote-ref-51)
51. Pure Residual dividend policy [↑](#footnote-ref-52)
52. Fined Payout Residual dividend Policy [↑](#footnote-ref-53)
53. Smoothed Residual dividend Policy [↑](#footnote-ref-54)
54. .pure residual dividend policy [↑](#footnote-ref-55)
55. Fined Payout Residual dividend Policy. [↑](#footnote-ref-56)
56. Smoothed Residual dividend Policy. [↑](#footnote-ref-57)
57. البته باید در نظر داشت، تمامی معیارهای مالی یک شرکت بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم متاثر از مبلغ سود شرکت و یا اثرات ناشی از اقدامات خاص مدیریت در رابطه با سود است،که از این اقدامات می­توان به موضوع همچون مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی ویا اعمال نظرات مدیریت اشاره کرد. [↑](#footnote-ref-58)
58. 31 Earnings Management. [↑](#footnote-ref-59)
59. Private gain. [↑](#footnote-ref-60)
60. Moehrle. [↑](#footnote-ref-61)
61. Schipper, K.1989. Commentary on Earnings Management. *Accounting Horizons* (Vol. 3, No. 4): 91-102. [↑](#footnote-ref-62)
62. Ronen & Yaari. [↑](#footnote-ref-63)
63. Real Activity Manipulation [↑](#footnote-ref-64)
64. Real earnings management [↑](#footnote-ref-65)
65. Roychowdhury. [↑](#footnote-ref-66)
66. Cohen & Zarowin. [↑](#footnote-ref-67)
67. مواردی همچون خرید ویا تهیه دارایی­های ثابت بلند مدت و حتی اعمال نظر در مورد میزان تولید،به این نحو که با افزایش میزان تولید باعث کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته از طریق کاهش هزینه سربار ثابت هر واحد تولیدی و به طبع این افزایش تولید باعث افزایش موجودی­های پایان دوره می­شود که این خود باعث انتقال بخشی از هزینه سربار ثابت به دوره بعدی می­شود. [↑](#footnote-ref-68)
68. Accrual-based activities [↑](#footnote-ref-69)
69. Artificial Earnings Management (Another term is "Cosmetic Earnings Management"). [↑](#footnote-ref-70)
70. Accounting choices. [↑](#footnote-ref-71)
71. البته در تحقیقات دیگری این موارد به شکل بالعکس مطرح شده؛ مثلا مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی به راحتی برای حسابرسان قابل بررسی است و...([کُوهِن و زَرُوین 2010: 4](#_ENREF_5)). [↑](#footnote-ref-72)
72. Attitudes and beliefs. [↑](#footnote-ref-73)
73. Pressures from Affiliated Parties. [↑](#footnote-ref-74)
74. Behavior convictions. [↑](#footnote-ref-75)
75. Bonus schemes (another term is Bonus Plans). [↑](#footnote-ref-76)
76. برگرفته شده از ([Scott 2012, 427](#_ENREF_25)) [↑](#footnote-ref-77)
77. To meet investors’ earnings expectations and maintaince reputation. [↑](#footnote-ref-78)
78. Accruals [↑](#footnote-ref-79)
79. Non-Discretionary Accruals) Another term is "Normal Accruals"( [↑](#footnote-ref-81)
80. Industry Conventions [↑](#footnote-ref-82)
81. Discretionary Accruals) Another term is "Abnormal Accruals"( [↑](#footnote-ref-83)
82. Accounting Treatments Chosen [↑](#footnote-ref-84)
83. مالکیت نهادی به مجموع درصد سهام شرکت که تعلق به بانک­ها ، بیمه­ها، نهادهای مالی، شرکتهای هلدینگ، سازمان­ها، نهادها و شرکتهای دولتی دارد تعریف می­شود. [↑](#footnote-ref-85)
84. البته مقدار پاداش پرداختی به مدیران نشان می­دهد که در بسیاری از شرکتهای ایرانی برنامه­های پاداش مدیران اجرا می­گردد(147). [↑](#footnote-ref-86)
85. برای این موضوع ابتدا، میانیگن مجموع فروش در دوره­های مورد بررسی برای هر یک از شرکتها محاسبه، وسپس میانه این رقم در بین شرکتها، مبنای طبقه بندی قرار گرفته به طریقی که شرکتهای با میانگین فروش بالاتر از میانه به عنوان شرکتهای بزرگ و شرکتهای با میانگین فروش پایین­تر از میانه به عنوان شرکتهای کوچک طبقه بندی شده­اند(35) البته از معیارهای دیگری نیز مانند میزان(لگاریتم) دارایی­ها (جوان, ناظمی.اردکانی, and موسوی 1388, 8) و تعداد پرسنل شرکت جهت انجام این طبقه بندی استفاده می­شود(مجتهدزاده and حسن.زداه 1387, 166). [↑](#footnote-ref-87)
86. صنایع؛ خودروسازی، شیمیایی، دارویی، فلزات اساس به عنوان صنایع؛ محوری و صنایع با فعالیت کشاورزی، کاشی وسرامیک، مواد غذایی، چوبی، منسوخات و سایر صنایع کم بازده به عنوان صنایع پیرامونی تعریف شدند(38). [↑](#footnote-ref-88)
87. که در آن رابطه بین سود سال آینده شرکت با "سود، تغییرات کارایی(نسبت کارایی: نسبت تقسیم فروش به خالص اقلام تعهدی عملیاتی انتهای دوره(7))، تغییرات خالص اقلام تعهدی عملیاتی(اقلام تعهدی عملیاتی: دارایی­های تعهدی عملیاتی«شامل وجه نقد» منهای بدهی­های تعهدی عملیاتی(6))، تغییرات سرمایه در گردش(سرمایه در گردش(عملیاتی): دارایی­های تعهدی عملیاتی«به غیر از وجه نقد» منهای بدهی­های تعهدی عملیاتی(8))، رشد فروش ، تغییرات خالص اقلام تعهدی عملیاتی بلند مدت(اقلام تعهدی عملیاتی غیر جاری: دارایی­های غیرجاری عملیاتی منهای بدهی­های غیرجاری عملیاتی(8)) در سال جاری" را مورد بررسی قرار دادند). [↑](#footnote-ref-89)
88. این تحقیق جزو تحقیقات مشترک در حوزه مدیریت سود و عملکرد مالی محسوب می­شود. [↑](#footnote-ref-90)
89. نسبت موجودی کالا به فروش، نسبت بدهی، نسبت بازده فروش، نسبت گردش دارایی، نسبت سرمایه در گردش به دارایی، نسبت بازده دارایی، اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیر اختیاری [↑](#footnote-ref-91)
90. همزمانی قیمت درجه‌ای از اطلاعات بازار و صنعت است که در قیمت سهام شرکت منعکس می‌شود که معیار سنجش آن نسبت ریسک سیستماتیک تقسیم بر ریسک غیرسیستماتیک است. [↑](#footnote-ref-92)
91. تالانه عبدالرضا(1370) " بررسی سیاست ها و خط مشی های تقسیم سود در ایران" دانشگاه آزاد اسلامی پایان نامه کارشناسی ارشد [↑](#footnote-ref-93)
92. حسابداری یا اقتصادی [↑](#footnote-ref-94)
93. البته این موضوع قابل توجه بود که، استفاده از متغیرهای اضافی نظیر شاخص تورم، اقلام تعهدی دوره قبل و رشد فروش سال آتی که در تحقیق مشابه انجام شده در محیط اقتصادی متفاوت با این تحقیق (دی­چاو و دیگران،2002) باعث افزایش توانمندی مدل یاد شده گردید؛ اما در این تحقیق این کار تاثیر چندانی نداشت. [↑](#footnote-ref-95)
94. این تحقیق جزو تحقیقات مشترک در حوزه مدیریت سود و عملکرد مالی محسوب می­شود. [↑](#footnote-ref-96)
95. این رابطه به صورت رگرسیون ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت. [↑](#footnote-ref-97)
96. یعنی برای بازه زمانی 1378 تا 1382 فقط یک رگرسیون("پول" یا "پَنِل") برای بررسی رابطه هریک از متغیرهای ارزیابی عملکرد با متغیر بازده سالانه سهام استفاده شده است. [↑](#footnote-ref-98)
97. یعنی برای سال 1378،1379،1380،1381 هر کدام به صورت جداگانه انجام گرفته است. [↑](#footnote-ref-99)
98. Ben-Nasr [↑](#footnote-ref-100)
99. Papanastasopoulos [↑](#footnote-ref-101)
100. Omri [↑](#footnote-ref-102)
101. Nikbakht [↑](#footnote-ref-103)
102. Capital Asset Pricing Model (CAPM) [↑](#footnote-ref-104)
103. Demirkan. [↑](#footnote-ref-105)
104. Single- and multiple-segment firms [↑](#footnote-ref-106)
105. Ogneva. [↑](#footnote-ref-107)
106. یعنی شرکتهایی که طی دوره مورد بررسی به طور سیستماتیکی جریان های نقدی سهام منفی را تجربه کرده اند. [↑](#footnote-ref-108)
107. KANG [↑](#footnote-ref-109)
108. Hirshleifer. [↑](#footnote-ref-110)
109. Dimitropoulos& Asteriou [↑](#footnote-ref-111)
110. Chan [↑](#footnote-ref-112)
111. Francis [↑](#footnote-ref-113)
112. البته با تشریح اینکه ممکن است بعضی سالها سود پرداخت نشود. اما جریان های نقدی و درآمد آنها افزایش داشته است. [↑](#footnote-ref-114)
113. Yang [↑](#footnote-ref-115)
114. به این مفهوم که مثلا در بعضی از سال­ها، شرکتهای موفق در مقایسه با شرکتهای ناموفق از یک نسبت مالی بزرگتر(کوچکتر) برخوردار هستند و در سال­های دیگر این موضوع به صورت برعکس شده یعنی شرکتهای ناموفق دارای یک نسبت مالی بزگتری(کوچگتری) در مقایسه با شرکتهای موفق برخوردار هستند و این موضوع ممکن است به دلیل تغییرات اقتصادی در سال­های متفاوت باشد(یانگ 2000:86) [↑](#footnote-ref-116)
115. Peasnell [↑](#footnote-ref-117)
116. Cross-Sectional. [↑](#footnote-ref-118)
117. 177 Margin model. [↑](#footnote-ref-119)
118. 178 مدل حاشیه به عنوان یک مدل کشف مدیریت سود، تبیین شده توسط محققین در همین مقاله بوده که با توجه به نتایج آنها این مدل زمانی که عملکرد جریان­های نقدی بالا است برآورد بهتری را نسبت به اقلام تعهدی اختیاری در مقایسه با دو مدل دیگر دارد. [↑](#footnote-ref-120)
119. Michelson [↑](#footnote-ref-121)
120. Subramanyam [↑](#footnote-ref-122)